

# مشی مانسبت به دولت، انتقاد سازنده است

ص ۵

در صفحات  
بعد:

● شادمانی برای  
آزادی و استقلال  
نیکاراگوئه  
(صفحه ۷ - ستون پنجم)

● پاسخ دندان شکن خلق  
به عناصر ضد انقلابی در  
مراسم بزرگداشت سی  
تیر  
(صفحه ۶ - ستون سوم)

● حقایق مربوط به  
خیانت بختیار را صریحاً  
و بطور کامل افشا کنید  
(صفحه ۷ - ستون چهارم)

● سلام! توده‌ای،  
سلام! شعری از شعله  
رها  
(صفحه ۸ - ستون پنجم)

● ضد انقلاب را در هر  
لباسی افشا کنیم  
(صفحه ۸ - ستون سوم)

● ایران: گرایش  
خطرناک - گزارش مفسر  
تاس  
(صفحه ۷ - ستون اول)

## کار دانشگاهها انقلابی نیست

(صفحه ۲ - ستون چهارم)

● اعلام واقعات، دست  
شایعه سازان را کوتاه  
میکنند  
(صفحه ۴ - ستون سوم)

● آنتی کمونیسم، نمونه  
روشن افلاس ایدئولوژی  
بورژوازی است (قسمت  
دوم)  
(صفحه ۳ - ستون سوم)

● ششمین کنفرانس  
نویسندگان آسیا و آفریقا  
در آنکولا  
(صفحه ۳ - ستون سوم)

● رانندگان ساواکی  
تا کسی هارا معرفی نکند  
(صفحه ۷ - ستون اول)

● اتحاد شوروی  
خواستار قطع تحریمات  
وتهدیدات علیه جمهوری  
سوسیالیستی ویتنام است  
(صفحه ۷ - ستون پنجم)

● راه یافتن پاسداران  
به شهربانی، عملی است  
انقلابی.  
(صفحه ۲ - ستون سوم)

## آقای چمران!

شما حقایق را تحریف میکنید و نیروهای انقلابی را از دستگیری  
عمده انقلاب، یعنی مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی  
مردم ایران، منحرف میسازید

در صفحه ۲

## هشدار:

ارتش باید

از ضد انقلاب

بی درنگ

پاک شود

(صفحه ۵ - ستون اول)

# بزرگداشت ۳۰ تیر براه پیمائی هزاران توده‌ای

■ ضد انقلاب بایک برنامه سازمان یافته به  
صفوف راهپیمایان حزب توده ایران حمله و  
۴ نفر را مجروح کرد. (صفحه ۶ - ستون اول)

■ در قطعنامه راهپیمایی به تلاش بر ضد دشمن  
مشترک، در یک صف واحد، با همه نیروهای ضد  
امپریالیست و میهن پرست تاکید شد.



صفوف بهم فشرده اعضاء و طرفداران حزب توده ایران به طرف ابن بابویه پیش میروند...

دهها هزار نفر در میدان بهارستان شعار میدادند:  
نابودی امپریالیسم در گرو اتحاد همه  
نیروهای ضد امپریالیستی است  
(صفحه ۸ - ستون اول)

## این «بررسی» قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا بالاخره به کجا رسید؟

(صفحه ۵ - ستون اول)

### از مقامات مسئول دولتی می پرسیم:

آیا درست است که بانک امریکائی  
«چیس مانهاتان» بیش از ده میلیارد دلار  
پول ایران را توقیف کرده است؟  
و در انتظار پاسخ فوری و صریح هستیم.

## تعمیق و گسترش انقلاب به چه معناست؟

وقتی مطبوعات حزب توده ایران از ضرورت تعمیق و گسترش انقلاب و رساندن آن باوج لازم یک انقلاب اصیل ملی و دمکراتیک سخن میگویند، ضد توده‌ایهای حرفه‌ای، در پس این عبارت، در جستجوی یافتن «معنائی» هستند. در اینجا هیچ معنائی وجود ندارد. ما بر آنیم که انقلاب کنونی ایران سه وظیفه اساسی را باید انجام دهد: (۱) تأمین استقلال کشور، بنحوی که ایران قادر باشد در همه کسرت‌های سیاسی، اقتصادی نظامی، فرهنگی از منافع خود دفاع کند و در چنان وضعی نباشد که دیگران بتوانند منافع و مصالح خود را بر وی تحمیل نمایند، یا به بیان دیگر، تبدیل استقلال

صوری به استقلال دارای محتوی.  
(۲) تأمین دمکراسی، یعنی هم آزادیهای دمکراتیک و هم حقوق دمکراتیک مردم.  
(۳) اتخاذ راه رشد اقتصادی و فرهنگی درستی که منجر به سالم سازی اقتصاد و فرهنگ ناهنجار، وابسته و انکلسفیت کنونی شود و آنرا در راه تأمین استقلال واقعی اقتصادی و پیشرفت واقعی اقتصادی و شکوفائی فرهنگی بیاندازد.  
مردم ایران هفتاد سال است برای نپل با این سه هدف، استقلال، دمکراسی، راه رشد سالم، مبارزه میکنند و انقلاب بزرگ اخیر ایران نیز برای حل همین وظایف انجام گرفته است. پس با اینکه گامهای (بقیه در صفحه ۲ - ستون چهارم)



### آقای چمران!

شما حقایق را تحریف میکنید و نیروهای انقلابی را از سمتگیری عمده انقلاب، یعنی مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، منحرف میسازید.

فعالیت پشت پرده آقای چمران، که از امریکا به لبنان جابجا شده و پس از چندسال فعالیت در متن حوادث لبنان، یک سره به معاونت نخست وزیری ایران پس از انقلاب، با پست بسیار حساس مسئولیت در اداره امور امنیت کشور برگزیده شده است، هر روز بیشتر موجبات نگرانی میهن پرستان واقعی ایران را فراهم میکند.

سمتگیری اساسی فعالیت آقای چمران را در مجموعه فعالیت او میتوان بررسی دید. این سمتگیری بطور عمده عبارتست از: الف، امریکا دشمن اصلی و خطر عمده برای انقلاب ایران نیست. دشمن شماره یک انقلاب ایران کمونیسم و در درجه اول اتحاد شوروی است. انقلاب و استقلال ایران از راه دسائس ضدانقلابی امپریالیستهای غرب، بویژه امپریالیسم امریکا و صهیونیسم تهدید نمیشود، بلکه اتحاد شوروی خطر عمده را برای استقلال ایران تشکیل میدهد.

ب، باید نیروهای انقلابی مذهبی، نیروهای مسلح و پاسداران را نه برای سرکوب کردن ضدانقلاب، یعنی عوامل امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ساواکها و دیگر وابستگان رژیم سرنگون شده، بلکه برای سرکوب نیروهای انقلابی چپ راستین در میهن ما تجهیز کرد. برای اینکه ما را به افترا زنی منجم نکنند، در زیر عنوان یک نمونه از نمونه های بسیار، نکات مهم سخنرانی آقای چمران را، در روز ۱۹ تیر ماه، در مسجد امام حسین، مورد بررسی قرار میدهم.

آقای چمران در این سخنرانی از جمله گفته است: «از ۲۲ روزنامه که اکنون در ایران پخش میشوند، ۱۸۰ تایش روزنامه کمونیستی است.» آقای چمران! شما خوب میدانید که این ادعایتان دروغ محض است. شما خوب میدانید که تعداد روزنامه هایی که از سویالیسم علمی دفاع میکنند با احتساب آنهایی که با اشتباه و گمراهی، ولی صادقانه این دفاع را انجام میدهند، شاید تعدادشان از تعداد انگشتان یک دست هم تجاوز نکند. شما خوب میدانید که روزی نامه هایی که از دوران پهلوی بجا مانده و سیاست دفاع از مواضع امپریالیسم و رژیم سابق را، زیر انواع سروشها، ادامه میدهند، کوچکترین ارتباطی با کمونیسم ندارند. اینها همانقدر با کمونیسم دشمنی دارند که افرادی که در لباس «روحانی» و زیر پرچم «اسلام» به رژیم شاه خائن خدمت میکردند، با اسلام انقلابی دشمنی میورزند و بنا بگفته امام خمینی، از ساواکیها هم بدتر هستند.

آقای چمران! ما از شما میخواهیم که اسامی این ۱۸۰ روزنامه کمونیستی را بما اطلاع دهید، ما عینا آنرا در مردم چاپ میکنیم.

آقای چمران! شما خوب میدانید که عمال امپریالیسم امریکا و بازماندگان رژیم پهلوی، امروز در جهت ماسک انقلابی به چهره خود زده اند، ماسک چپ افراطی بصورت گروهکهای مائوئیستی و نظائرشان و ماسک راست افراطی بشکل گروههای افراطی مذهبی مانند فرقان و نظائر مخفی و علنی آنها، و یا ماسک طرفداری از «آزادی و دموکراسی»!

آقای چمران! شما خوب میدانید که امپریالیسم امریکا و صهیونیسم برای بازیافتن منافعی از دست رفته و حفظ منافع عظیم بخطر افتاده شان در ایران، و منطبقه از هیچ اقدامی، حتی تدارک فرستادن ارتش صدوده هزار نفری به منطقه خلیج فارس روگردان نیستند.

سؤال و تمجیب ما اینست که: چرا شما این حقایق را، که خوب میدانید، در همه فعالیت تبلیغاتی خود برعکس منعکس میسازید؟ در سخنرانی مورد بحث شما، که نزدیک به ۵۰۰ نفر آنرا شنیده اند، شما اسمی از امپریالیسم امریکا، بعنوان دشمن اصلی مردم ایران نبرده اید، ولی بجای آن، بدون هیچگونه پروائی، باز دروغ شاخدار زیر را پخش کرده اید،

«روسیه شوروی اکنون احساس میکند که نظام اسلامی ایران نمیخواهد به او باج بدهد. جاسوسان روسی وارد مرزها میشوند. هلیکوپترها افراد را به مازندران و آذربایجان میآورند. توسط کشتی اسلحه به بحر خزر میآورند و بین طرفدارانشان پخش میکنند.»

و از آنجا که در کار تبلیغاتی، در این سمتگیری، فرد با سابقه و کارآموخته ای هستید، این اظهار را درست بعد از گفته های زیر میکنید:

«در خوزستان لوله های نفت را منفجر میکنند. از یکطرف کارگران را تحریک میکنند علیه کارفرمایان و از طرف دیگر کارفرمایان را تحریک به ترک کشور میکنند. نتیجه بیکاری ۲۰۰ و بعد کارگران را به تظاهرات وادار میکنند.»

بنظر ما، بهترین پاسخ برای این تبلیغات دروغین شما را میتوان در گفته آیت الله طالقانی داد که اظهار داشته اند، «نمیدانم چرا از بیست سال باینطرف در ایران همیشه جاسوس روس پیدا میشود حتی یکبار هم یکی را به اتهام جاسوسی امریکا نکرفته اند!»

البته پاسخ این پرسش آیت الله طالقانی را همه میدانند. جاسوسان امریکا در ایران همه مصدر امور بوده اند و اگر قرار میشد که در شهر مست کبرند، مجبور میشدند هر آنچه هست گیرند و اکنون هم، پس از انقلاب، اگر در سطح بالائی دولتی، تصفیه جدی از عمال رژیم گذشته و عمال امپریالیسم انجام گرفته، ولی نفوذ آنها

### راه یافتن پاسداران به شهربانی عملی انقلابی است

شهربانی کل کشور بموجب تصویب نامه هیات دولت اجازه دارد چهار هزار نفر از پاسداران انقلاب کمیته های ۱۵ گانه تهران و کمیته های شهرستانها را برای انجام خدمت در تهران و شهرستانها استخدام کند.

این تصمیم، از آنجا که موجب راه یافتن عناصر انقلابی به کادر شهربانی میشود و در نهایت به پاکسازی شهربانی از وجود عناصر وابسته به رژیم سرنگون شده پهلوی منجر میگردد، مورد پشتیبانی ماست. ولی، یادآور می شویم که استخدام پاسداران باید با دقت کافی انجام شود تا احیانا عناصر مشکوک و ناپایی که در جریان انقلاب، بدلیل شتاب کار، به داخل کمیته ها نفوذ کرده اند و مشکلاتی را در جریان ماههای اخیر بوجود آورده اند، بداخل شهربانی نفوذ نکنند. این دقت و هویشیاری میتواند کمک بزرگی باشد به امر واجب پاکسازی کمیته ها از عناصر مشکوک، که پیوسته مورد تایید رهبر انقلاب نیز بوده است.

### نماینده مردم در سفارت جمهوری سوسیالیستی رومانی

روز پنجشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۵۸، از ساعت ۷ تا ۹ بعد از ظهر، جلسه مبارفای برای آشنائی نمایندگان معطوبوعات ایران، وابسته مطبوعاتی سفارت جمهوری سوسیالیستی رومانی در ایران تشکیل بود. نماینده مردم نیز بنا بدعوت رسمی سفارت جمهوری سوسیالیستی رومانی در این جلسه حضور یافت.

### کار دانشگاهها انقلابی نیست

یکصد هزار دانشجوی سال آموزشی آینده میتوانند وارد دانشگاهها شوند.

نکته دیگری که مؤید امکان این نظر است، وجود درسهائی در دانشگاهها است که استادان بوط به آن درس، فقط دو ساعت در هفته به آن میپردازد و برای بقیه ساعاتی که طبق مقررات باید تدریس کند، بیکار است و مطالعه در دانشگاه میپردازد.

بنابراین آنچه اشاره شد، اکنون مردم و بویژه دانشجویان داوطلب ورود به دانشگاهها، که شمار آنان اندکی بیش از ۵۴۵ هزار نفر است، از همه دانشگاهها و شورای هماهنگی دانشگاهها انتظار دارند که به این جنبش انقلابی توجه ویژه ای مبذول دارند و نشان دهند که در جهت رفع نیازهای کشور، که یکی از آنها افزایش بیشتر پذیرش دانشجو است، از هیچگونه فداکاری خودداری نمیکنند و حاضرند شبها تا سینه دمان هم شده، بکار تدریس اشتغال ورزند و ظرفیت پذیرش دانشگاهها را افزایش دهند.

درباره ایجاد مدارس عالی جدید نیز وزارت علوم، با وجود شمار بسیار فارغ التحصیلان، که با درجه دکتری و معدل... از خارج آمده اند و هم اکنون بیکارند و بکارهایی از قبیل:

بستنی و ساندویچ فروشی و نظائر آنها پرداخته اند، می توانند استفاده کنند و مدارس عالی با ضوابط و شرایط معین، زیر نظر وزارت علوم، ایجاد کنند.

در این باره ایرادهای وزارت علوم از قبیل نبودن معلم حائز شرایط و غیره وارد نیست و در واقع کمکی است به اینکه هر سال شمار بسیاری از جوانان ما برای تحصیل عازم کشورهای خارج گردند و میالغ هنگفتی از ارز کشور را خسارج سازند و تحت سرپرستی خانواده های خود نیز نباشند. در این باره مطالب گفتمی بسیار است که در فرصتی دیگر درباره آنها توضیح خواهیم داد.

پس از انقلاب پیروزمند مردم ایران علیه امپریالیسم و استبداد، دانشگاه های ایران در آغاز با فعالیت و پشتکار شایان توجهی به امر تدوین و تنظیم آئین نامه های لازم برای تجدید حیات تأمین و استقلال دانشگاهها پرداختند؛ ولی پس از چندی از سرعت و شتاب اولیه آن کاسته شد، بطوری که در این یکی دو ماه اخیر، کار سازمان ملی دانشگاهیان تنها منحصر به تز کیه و تصفیه دانشگاه از عناصر نامطلوب و سرسپرده رژیم پهلوی بوده و تازه در امر تصفیه و تز کیه هم در بسیاری موارد کارها ناقص و گاهی بصورت انتقام جوئی انجام گرفته است. در روزهای اخیر نیز مشاهده شد که اولیای دانشگاهها، برائسر کاهش اعتبارات دانشگاهها، تهدید کرده اند که نسبت به سال گذشته تعداد کمتری دانشجو می پذیرند و پس از مذاکرات بسیار و خواهش و التماس وزیر علوم، قول داده اند که تا میزان سال گذشته دانشجو بپذیرند (در حدود ۴۰ هزار نفر). در این مورد نیز جای بحث و گفتگو بسیار است، زیرا در سالهای گذشته تعدادی را که عملا می پذیرفتند، بسیار کمتر از میزانی بود که بر حسب آمار اعلام میکردند.

چون دانشجویی که مثلاً در رشته پزشکی در چهار دانشگاه نام نوشته و پذیرفته شده، فقط در یکی از دانشگاهها نام می نوشت و حال آنکه نامش چهاربار در آمار پذیرفته شدگان نوشته میشد.

اما جنبش انقلابی دانشگاهها، اگر دنبال شود و ادامه یابد و اعضای آموزشی هر یک تقبل کنند که دو برابر سالهای گذشته تدریس نمایند و از ساختمانهای دانشگاهها نیز، با تغییر در ساعات برنامه، استفاده بیشتری بشود و صرفه جوئی هایی در هزینه های آزمایشگاهی بعمل آید، آنوقت ممکن خواهد شد که میزان پذیرش دانشجو را به دو برابر و حتی بیشتر افزایش دهند و بدین ترتیب در حدود

### تعمیق و گسترش انقلاب به چه معناست؟

شبه از صفحه ۱

انقلاب می شوند، مایه امیدواری امپریالیسم به تجدید قدرت خود میگرددند و میکوشند انقلاب را بسوی ستروان ماندن و یا شکست و یا حتی جهش قهرآمیزی سوق دهند. در این شرایط است که شمار «گسترش و تعمیق انقلاب و دستاوردهای آن» به شعاری حاد و مبرم مبدل میگردد.

ما از نیروهای اصیل انقلابی از روحانیت مترقی گرفته تا سازمانها و عناصر صدیق دیگر انقلابی، در هر جا که باشند، چشم داریم که **خطر مکنون** را بهمان بینند و تا دیر نشده با اتحاد در جبهه متحد خلق، با سرکوب ضد انقلاب، که هم اکنون وارد مرحله تعرض متقابل شده است، و با پشتیبانی قاطع از مشی ضد امپریالیستی امام خمینی، شرایط و زمینه های لازم را برای بسط و تعمیق انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ایران فراهم سازند.

انجام نیافته مهمی کماکان باقی است. پس تعمیق و گسترش انقلاب یعنی:

- ۱) اجراء تمام و کمال این وظایف؛
- ۲) ایجاد تضمین و تثبیت بسود تحقق واقعی این وظایف در عمل.

چه کسی میتواند مدعی شود که چنین کاری انجام گرفته است؟ بورژوازی لیبرال و روشن فکران پهلوی، با تمام نیرو و خواستار محدود کردن انقلاب در چارچوب آزادیهای پارلمانی بورژوازی، راه رشد سرمایه داری، البته با برخی اصلاحات «سوسیال دمکرات» آب، و حفظ روابط با جهان نخبواران غرب هستند. آنها، با استفاده از کسانی که عملا کلاهی راست را در بسته بندی «چپ» عرضه میکنند (اعم از نیات و شخصیت این افراد)، دولت را در انتخاب راه منزلزل و نوساتگر نگاه داشته اند، مایه تشویق ضد

مهمی در راه انجام این وظایف برداشته و یا اعلام شده، هنوز در اثر تشتت سیاسی، فشار ضد انقلاب، ابهام در مسئله «چه باید کرد» و وجود چند قدرتی در جامعه و عوامل دیگر تضمین واقعی تحقق این گامها پدید نشده و وظایف

مسلمان ریشه کن نشده و در سطوح پائین هم هنوز وضع به حال سابق است.

آقای چمران! ما شمارا آدم بهوشی نمیدانیم و عقیده داریم که شما خوب میدانید که این ادعایتان دروغ است. تبلیغات دروغ و ایجاد افکار عمومی خصمانه علیه نیروهای راستین چپ و علیه اتحاد شوروی وسیله ای است برای آماده کردن زمینه روحی برای پذیرش سمتگیری سازشکارانه سیاسی که شما و دوستانتان دنبال میکنید.

شما خوب میدانید که برای چه با لئو قرار داد دو جانبه ایران و امریکا، که در حقیقت عمده ترین زنجیر اسارت نواستعماری بردست و پای ما بود، مخالف هستید و چرا میکوشید افسرانی را که بر داس مقامات ارتشی بر میگمارید، از میان کسانی برگزینید که در همین جهت فکر میکنند.

شما خوب میدانید که ارتش ایران میتواند مانند دهه ارتش دیگر کشورهای جهان، بدون جاسوسان امریکائی، بدون وابستگی به امپریالیسم امریکا، که در حقیقت وابستگی به صهیونیسم اسرائیل هم هست، استقلال خود را بدست آورد.

شما خوب میدانید که این سمتگیری سیاسی شما تنها برای آماده کردن افکار عمومی برای پذیرش نظریه شما و دوستانتان است مبنی بر این که «چون در زمان رژیم سرنگون شده همه چیز ما به امپریالیسم امریکا وابسته شده است، ما نمیتوانیم این وابستگی را به یکباره پاره کنیم.»

این نظریه خطرناک شما، که طبق آن گویا تنها از راه ادامه وابستگی میتوان به وابستگی خاتمه داد، بزرگترین تهدید به استقلال ماست و همه دستاوردهای انقلاب را به خطر میاندازد. تحقق این سیاست در این جهت است که مواضع منزلزل شده امپریالیسم امریکا و همدستانش در ایران تحکیم شود و به پایههای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، ضربات هولناکی وارد آید.

تجربه تاریخ نشان داده است که با توسل به دروغ و اتهام و تدارک دسیسه ممکن است برای مدتی حقیقت را پنهان کرد، سبب تکامل بلهیبی تاریخ را ترمز کرد و حتی برای مدت کوتاهی به عقب برگرداند، ولی این روش در تاریخ، بعنوان خدمت به ارتجاع، خدمت به دشمنان خلق، خدمت به نیروهای سب و جهمی در جامعه انسانی ثبت خواهد گردید و بالاخره هم با شکست ننکین روبرو خواهد شد. حزب توده ایران میکوشد که تمام نیروی خود را صادقانه علیه هر گونه تفرقه اندازی و در جهت اتحاد نیروهای راستین انقلابی و میهن پرست ایران بکار برد و از اینراه، علیرغم همه دسیسه های امپریالیسم و ارتجاع و محافل سازشکار، سهم خود را در پیشبرد انقلاب ایران ادا کند.



بقیه از شماره پیش

# آنتی کمونیسم نمونه روشن افلاس ایدئولوژی بورژوازی است

در مقاله گذشته دیدیم که با ایجاد نخستین دولت سوسیالیستی در روسیه و استقرار حکومت کارگری و دهقانان در این کشور، امپریالیسم جهانی، از بیم توسعه و نفوذ ایدئولوژی کمونیستی به دیگر کشورها و مناطق جهان، با سلاح آنتی کمونیسم به مقابله و مبارزه با آن پرداخت.

کشور ما ایران، بعلمت موقعیت مهم جغرافیایی و همسایگی اش با اتحاد شوروی، مقام مهمی را در نقشه‌های ضد کمونیستی امپریالیسم احراز می‌کند. روی کار آمدن رضا خان بدست امپریالیسم انگلستان و آغاز سلسله پهلوی در ایران نیز اصولاً مربوط به همین مسئله بود. اگر تا آنوقت منافع استعماری امپریالیسم انگلستان و روسیه تزاری ایجاد می‌کرد که در ایران اصول ملوک‌الطوایفی حکمروا و دولت مرکزی فاقد قدرت لازم باشد، تا آنها بتوانند این کشور را تماماً به مستعمره خویش مبدل کنند و آنرا بین خود تقسیم نمایند، ولی اکنون منافع امپریالیسم انگلستان الزام می‌کند که ایران، بمثابه یکی از حلقه‌های مهم کمربند «امنیتی» بدور روسیه شوروی، از قدرت کافی و متمركزی برخوردار باشد، تا بتواند وظیفه خود را در مقابل امپریالیسم هر چه بهتر انجام دهد.

لازمه انجام چنین وظیفه‌ای اتخاذ سیاست ضد شوروی و اجرای خط مشی خصمانه نسبت به همسایه شمالی است. سیاستی که در تمام دوران سلطه دودمان پهلوی اعمال می‌شد. آیا این سیاست کوچکترین انطباقی با منافع مردم ایران داشت؟ مسلماً نه. چرا؟ بطوریکه میدانیم، با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت دولت روسیه تزاری، که دشمن استقلال و تمامیت ارضی ایران و شریک امپریالیسم انگلستان در تقسیم ایران به مناطق نفوذ بود، از بسج رفت و بجای آن دولت سوسیالیستی کارگران و دهقانان استقرار یافت، کسبه در نخستین فرامین و تصویبنامه‌هایش لغو کلیه قراردادهای و امه‌های اسارتی را که دولت روسیه تزاری به ایران تحمیل کرده بود، اعلام داشت، از کلیه امتیازات دولت روسیه و اتباع آن در ایران صرف نظر نمود و کلیه تأسیسات و اموال متعلق به روسیه تزاری را به مردم ایران واگذار کرد. دولت روسیه شوروی قریباً اسارتی را تقسیم ایران به مناطق نفوذ را لغو اعلام نمود و آمادگی خود را برای انعقاد قراردادهای با حقوق برابر و با سود متقابل با دولت ایران ابراز داشت، که قراردادهای سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۷ و دیگری قراردادهایی که در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و بازرگانی تا این تاریخ بین دو کشور انعقاد یافته، همگی از اینگونه‌ها اند.

بدینسان، دولت شوروی، از نخستین روز تأسیس خود، دست دوستی، برادری و برابری بسوی مردم ایران دراز کرد. اگر دولتهای ایران واقفاً ملی بودند، میتوانستند از آن بحد اکثر در جهت حفظ استقلال اقتصادی و سیاسی، در راه پیشرفت و اعتلای کشور استفاده کنند. ولی آنها، به تبعیت از منافع امپریالیسم، نه فقط از این امکان استفاده نکردند، بلکه با پیروی از سیاست آنتی کمونیسم، از پیشرفت و گسترش مناسبات بین دو کشور منافع به عمل آوردند. سیاستی که نه با منافع ایران مطابقت داشت و نه متناسب با برخورد برادرانه و دوستانه دولت نوپسای شوروی بود. البته از رژیم دست نشانده‌ای مثل رژیم پهلوی، که خود زاده سیاست استعماری امپریالیسم و موظف به اجرای آن سیاست بود، انتظار دیگری نمی‌شد.

در دوران رضاشاه این سیاست در دو جهت عمده پیاده می‌شد، اول، در جهت بی‌اعتبار ساختن کمونیسم، از طریق تحریف اصول آن و واقعیات مربوط به زندگی مردم شوروی و کشورها، نشر اکاذیب و اداجیفی که عموماً بعلمت بی‌اطلاعی صرف مردم از واقعیت کمونیسم، بصورتی مبتذل انجام می‌گرفت، نظیر مثلاً شایعات بی‌اساس در مورد اشتراک زن، فقدان خانواده، عدم تعلق فرزند به والدینش و یا مسئله فقدان مالکیت شخصی و اینکه در جامعه سوسیالیستی همه چیز متعلق به همه‌کس است و هیچکس صاحب هیچ چیز نیست و نظایر آنها، که انعکاسشان تا به امروز نیز بنحوی در افکار و اذهان مردم به‌خیر باقی مانده است.

دوم، مبارزه بی‌امان با هر گونه جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک، سرکوب حزب کمونیست ایران و اتحادیه‌های کارگری، که مستقیماً از سیاست ضد کمونیستی امپریالیسم سرچشمه می‌گرفت.

امپریالیست‌ها که در کشورهای خود نمی‌توانستند از تشکیل احزاب کمونیست و مبارزات صنفی اتحادیه‌ای جلوگیری کنند، در کشورهای مستعمره و وابسته، بدست عمال مزدور خود، از ایجاد این جنبش‌ها و تشکیل چنان سازمانهای سیاسی، با خشونت جلوگیری بعمل می‌آوردند و هر گونه تلاش در این زمینه را به خاک و خون می‌کشیدند. در این مورد، تصویب قانون ضد کمونیستی سال ۱۳۱۰ بویژه قابل تذکر است که مردم ایران بحق آنرا «قانون سیاه» نامیده‌اند. بدو جنب این قانون، بیدادگاه رضاشاهی، عده‌ای از بهترین فرزندان مردم ایران، رهبران و فعالین جنبش کارگری ایران را، که در شرایط ترور و اختناق آنروز کشور، فعالیت زیرزمینی می‌کردند، به زندان افکند و برخی را نا بود کرد و از جمله دکتر ارانی، رهبر بزرگ زحمتکشان ایران را بدست دژخیمان سرسپرده، در زندان به هلاکت رساند.

از فعالیتهای ضد کمونیستی رژیم رضاشاهی زیاد می‌توان نام برد. شخص رضاشاه، به بعلمت هیستری زمینخواری و در نتیجه چپاول و غارت بی‌بندوبار اموال مردم، به بزرگترین زمیندار ایران مبدل

# ششمین کنفرانس نویسندگان آسیا و آفریقا



ششمین کنفرانس نویسندگان آسیا و آفریقا از ۲۶ ژوئن تا ۳ ژوئیه ۱۹۷۹ (۵ تا ۱۲ تیر ۱۳۵۸) در لوآندا، پایتخت آنگولا برگزار شد.

در این کنفرانس ۳۷ نماینده یا هیات نمایندگی از کشورهای آسیا و آفریقا ۲۱۹ میهمان یا گروه میهمانان از کشورهای اروپا و آمریکا شرکت داشتند. از ایران فریدون تنگابنی در این کنفرانس شرکت کرده بود.

جمعیت نویسندگان آسیا و آفریقا بیست سال پیش در تاشکند پایه‌گذاری شده و از آن پس هر چهار سال یکبار، جلسه‌های عمومی خود را به ترتیب در شهرهای قاهره، بیروت، دهلی و آلمانا (پایتخت قرقیزستان) تشکیل داده است.

هدف از این کنفرانس‌ها، گذشته از آشنائی نویسندگان دو قاره با یکدیگر و هماهنگ کردن کوشش‌های قلمی و فرهنگی آنها، مبارزه با استعمار و امپریالیسم و جنگ افروزی و کمک به صلح و زندگی سادتمندان ملت‌هاست. شمار ششمین کنفرانس نویسندگان آسیا و آفریقا چنین بود:

مبارزه علیه امپریالیسم، استعمار جدید، نژاد پرستی و آپارتاید را شدت بخشید. جلسه افتتاحیه کنفرانس صبح روز چهارشنبه ششم تیرماه تشکیل شد. نئی چند از نمایندگان سخن گفتند، از جمله نماینده قرقیزستان (همین‌بان کنفرانس قبلی) و نیز کامیل یاشین، نویسنده برجسته ازبکستان شوروی. این دو نویسنده در سخنان خود از پیروزی انقلاب مردم ایران یاد کردند و آن را ستودند.

آنگاه دبیر کل کنفرانس گزارش خود را خواند. او از جمله گفت:

«کنفرانس‌های ما هر بار ارزش تاریخی خاص برخوردار است. اینبار نیز این کنفرانس در آنگولا برگزار می‌شود که مردم قهرمان آن، به رهبری نویسنده و شاعر برجسته آفریقائی، آگوستینو، علیه امپریالیسم و نژاد پرستی می‌جنگند.»

جلسه‌های عمومی کنفرانس یا کمیته‌های گوناگون آن در روزهای بعد ادامه یافت و نمایندگان درباره مسائل گوناگون، از جمله

وظیفه ادبیات در کشورهای آسیائی و آفریقائی و مقابله با جدایی‌ها و بیگانگی‌های مصنوعی که استعمارگران ایجاد کرده‌اند و گوناگونی زبانها و دشواری ترجمه سخن گفتند. نماینده کوبا درباره مشکل بی‌سوادی و حل آن در کوبا سخن گفت.

نکته جالب توجه این‌که، برخلاف برخی نویسندگان و معقدان محافل هنری اروپائی غربی و آمریکائی شمالی، که میکوشند میان کار ادبی و کار سیاسی و اجتماعی دیوار بکشند و وانمود کنند که نویسندگان با سیاست کاری نیست، نویسندگان آسیا و آفریقا به صراحت این نکته را اظهار داشتند که در جوامع آنها کار ادبی از کار سیاسی جدا نیست و بر این نکته تأکید ورزیدند که برای آنها نوشتن، در عین حال، یک وسیله مبارزه سیاسی است.

در نخستین روز کنفرانس، کمیسر شهر لوآندا، شرکت کنندگان را به ضیافت ناهار دعوت کرد و در سخنان خود به کوشش‌هایی که برای بازسازی شهرهای آنگولا و تأمین آسایش ساکنان آن میشود، اشاره کرد، زیرا در دوره استقلال، جمعیت لوآندا دو برابر شده است. روز شنبه ۹ تیر نیز شرکت کنندگان به شهر مالانز، در شمال آنگولا، که ناحیه‌ای غنی و سرشار از منابع زیر زمینی است، سفر

گشته و ثروت سرشاری گرد آورده بود، به اقتضای ماهیت طبقاتی اش یک ضد کمونیست بود.

او با کمونیسم نه فقط بخاطر تأمین منافعی را با بان امپریالیستی اش مبارزه می‌کرد، بلکه این مبارزه برای او یک هدف شده بود و جنبه دفاع از خویشش داشت، دفاع از زمینهای غصبی، دفاع از فرودهای غارتی، دفاع از دیکتاتوری فردی. او خوب می‌دانست که کمونیسم دشمن استعمارگران (مستکبرین) و مدافع استعمار شونده‌گان (مستضعفین) است.

بنابراین همچون دزدی که از قانون و عدالت می‌ترسد، از کمونیسم می‌ترسید و در مبارزه با کمونیسم به هر خیانت و جنایتی دست می‌زد. او در سالهای آخر سلطنتش های تقسیم آلمان را به ایران باز کرد و به وی اجازه داد که مهن‌مارا به پایگاه سیاسی و نظامی خود مبدل کند. باین ترتیب آنتی کمونیسم به امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی خدمت می‌کرد و وسیله‌ای بود برای تحکیم بندهای اسارت و وابستگی ایران به امپریالیسم، تشدید اختناق و غارت و چپاول مردم کشور.

اینجا تجربه تاریخ است، تجربه یک دوران مهم کشورما، دورانی پر مبارزه، که برای مردم میهنمان به بهای گران تمام شد و میبایست از آن پند گرفته شود. نابخشودنی است اگر تجربه نسلی مورد استفاده نسل‌های آینده قرار نگیرد. ادامه دارد.

نامی‌ها و صحرا و نیز از انقلاب فلسطین، ایران و افغانستان پشتیبانی شده است. همچنین از امر صلح و مبارزه بانجک افروزی و مسابقه تسلیحاتی.

نمایندگان با کف زدن معتد خود این قطعنامه را تصویب کردند.

در جلسه پایانی کنفرانس، که بعد از ظهر همان روز برگزار شد، آگوستینو، رئیس جمهور آنگولا، نیز شرکت کرد و سخن گفت در شب همان روز، در ضیافت خدا حافظی، نمایندگان از نزدیک با یکدیگر آشناسدند.

این کنفرانس کام مهمی بود در جهت تحکیم و تثبیت موقعیت نویسندگان مترقی جهان و هماهنگ کردن مبارزه آنها علیه امپریالیسم، استعمار جدید، نژاد پرستی و آپارتاید، بنا بر این عجب نیست اگر با توطئه سکوت خبر گزارها و مطبوعات غرب روبرو شد.

متأسفانه روزنامه‌های خبری ایران نیز کلمه‌ای درباره آن ننوشتند.

اما همچنان که در پایان قطعنامه کنفرانس آمده است:

از آنجا که مبارزه ادامه دارد، پیروزی قطعی است!

کردند و از نزدیک با این ناحیه و زیباییهای آن آشنا شدند. مهربانی و میهمان نوازی مردم آنگولا، بخصوص در طی این سفر، به خوبی محسوس و آشکار بود.

شرکت کنندگان از نقطه‌ای در شمال لوآندا نیز بازدید کردند که در آنجا مبارزان آنگولایی و کوبایی دوش به دوش یکدیگر با مزدوران خارجی و خائنان داخلی جنگیده و پایتخت را از خطر نجات داده بودند. پرچم‌های آنگولایی و کوبا آنجا در کنار هم، در اهتزاز اند.

آخرین جلسه کنفرانس روز دهم تیرماه تشکیل شد. در این جلسه ایران نیز جزو کشورهایی بود که به عضویت کمیسیون اجرایی انتخاب شدند.

نماینده فلسطین پیشنهاد کرد که مرکز اداری کنفرانس از قاهره، پایتخت سادات خائن و منحرف، به دمشق منتقل شود.

سپس فائز احمد فائز، شاعر برجسته پاکستانی، قطعنامه کنفرانس را خواند. در این قطعنامه از مبارزه آزادی بخش مردم کشورهای گوناگون جهان از جمله آفریقای جنوبی، زیمبابوه (رودزیا)

## پورش ضد انقلاب به کتابفروشی‌ها

### به رهبری مائو قیمت‌ها

ضد انقلاب، با برنامه حساب شده‌ای، به کتابفروشی فروشنده نشریات حزب توده ایران در میانه حمله کرد.

ماجرا باین ترتیب اتفاق افتاد که، روز بیست و سوم خرداد، گروهی از افراد مشکوک، که در میدان شهر اجتماع کرده بودند، شروع به دادن شمار «کمیته اسلامی منحل باید گردد» کردند. لحظاتی بعد، چند نفر از مائوئیست‌ها هم به آنها پیوستند و به شمار دادن علیه کمیته‌ها پرداختند. دقایقی بعد این شعار آنها به شعار «جاوید شاه» تبدیل شد. در این موقع مردم، که شاهد ماجرا بودند، خشمگین شدند و به آنها حمله کردند. عناصر مشکوک، که توسط مائوئیست‌ها رهبری میشدند، فرار کردند و عده‌ای از آنها، در حالیکه شمار «جاوید شاه» را به شمارهای تند ضد کمونیستی تبدیل کرده بودند، به کتابفروشی فروشنده نشریات حزب توده ایران حمله کردند و مشغول پاره کردن و از بین بردن کتابها شدند. این افراد مجدداً شروع به دادن شمار «مرکز بر کمیته» و «جاوید شاه» کردند و به یک کتابفروشی دیگر حمله ور شدند. در جریان این حمله عناصر ضد انقلابی، ۵۰ هزار تومان به کتابفروشیها خسارت وارد شد.

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم  
هموند ۲۰۰۰ مارک آلمان فدرال  
دشتری ۱۶۳۰۰ ریال  
فرید و فرهاد و فرزانه مظفر ۱۰۰۰۰ ریال



بدفتر «مردم» دوستی مراجعه کرد و نوشته‌ای داد. نوشته‌ای کوتاه و تکان دهنده. در آن چنین میخوانیم:

۳۰ تیر سال ۱۳۳۱، در زیر تانک، در اول خیابان اکباتان از طرف مجلس، تکه تکه شد... توده‌ای قهرمان/ شهید راه ایمان/ نشکسته ایم پیمان/ راحت ادا دارد.

از ع. ج.، تهران، نامه‌ای دریافت کرده‌ایم. وی ضمن «ابراز همبستگی با آرمان حزب و قدردانی از تلاش بیگانه و آگاهانه»، انتقادی دارد مربوط به مسئله مسکن در شماره ۳۸ «مردم». وی می‌نویسد: «در همین حال که مطلب منطبق با واقعیت است، بنظرم رسید که ارقام ذکر شده یا اشتباه ذکر شده یا نتیجه عدم دقت بوده است.» وی اضافه می‌کند: «این وسواس من از آن جهت است که روزنامه مردم برایم قطب‌نماست و هر حمله خصمانه به آن برایم درد آورده است.»

با تشکر از دوست عزیز ع. ج. باید اضافه کنیم که در مورد مقاله مربوط به آموزش و سطح سواد نیز دوستانی تذکراتی در همین زمینه داده‌اند و وجود آمار معتبری را یادآوری کرده‌اند. همه این دوستان عزیز باید بگوئیم که منبع اطلاعاتی ما آمار و ارقامی است که توسط دستگاه‌های رسمی دولتی چاپ شده است. البته ما خود سازمان ویژه آمارگیری نداریم و در ضمن میدانیم که رژیم گذشته تا چه اندازه ارقام غیر واقعی یا مخدوش و نامطمئن میداده، بطوریکه حتی در همان زمان هم داد هر بررسی کننده و ناظر منصفی از آشفتگی‌های وضع آمارگیری بلند بوده است. و اما آماریکه در این دو مقاله مورد استفاده قرار گرفته، از کتاب حجیمی که «سالنامه آماری کشور» نام دارد و هر بسوط سال ۱۳۵۶ (یا آنطور که روی جلد آن نوشته شده ۲۵۳۶!) است، استخراج شده. این نشریه از جانب سازمان برنامه و بودجه - مرکز آمار ایران انتشار یافته است. البته هر آمار درست تردیگری که بظرف توجه دوستان به ما برسد، موجب امتنان خواهد شد؛ با علاوه کردن این موضوع، که در اصل مطلب، یعنی وضع بسیار اسفناک مسکن و سواد در ایران، که اثر سنگین و سیاه رژیم سلطنتی منفور است، جای هیچ تردیدی نیست.

تلگرامی دریافت کرده‌ایم از هندوستان. امضا کنندگان تلگرام گروهی از دانشجویان ایرانی مقیم هند هستند. متن تلگرام چنین است: «ما بسیار خوشحالیم که «مردم» در عمارت جدید خویش کار می‌کند و برای حزب پیروزی آرزو می‌کنیم.» متقابلاً «مردم» از دریافت این تلگرام بسیار خرسند است و موقعیت دوستان خود را در کار و مبارک آرزو دارد.

از ارومیه نامه‌ای داریم که ح. ا. آنرا نوشته است. وی شرحی از مبارزه و فداکاری‌های نسل پیشین و منجمله سرسختی و مقاومت آزادیخواهان آذربایجانی و چنانست بی‌سابقه‌ای که شاه مخلوع انجام داد، نوشته و لزوم یادآوری از «رققای قدیمی و رفتن سراغ ایشان و دعوت از آنها راه خاطر نشان ساخته است.

دوست ارجمند! تجربه رفقای قدیمی و بهره‌گیری از سابقه و فداکاری‌های این مردان رزم دیده، بدون تردید یکی از وظایف ماست و توجه ما باین مسئله ابتدا کم نیست. همه رفقای قدیمی، که در این سالهای سیاه جهتمی، با استواری و سر بلندی با رمانهای حزب و فساد مانده و در گرداب منجلاهای گوناگون سیاسی و اخلاقی و خالی و زرد و بند غرق شده‌اند و برعکس تا آنجا که توانسته‌اند سرمشق شایسته‌ای برای جوانترها بوده‌اند، سرمایه بی‌جایگزینی هستند که وظیفه حتمی ما حفظ و بهره‌گیری از آن، بخاطر مسلح ساختن نسل جوان توده‌ای و انتقال تجربه غنی آن مبارزان است. اما از این که بگذریم، خود میدانید که چند ماهی بیش از آغاز دوباره زندگی عینی حزب نمی‌گذرد و امکانات ما هنوز وسیع نیست. این وظیفه همه رفق و دوستانست که منتظر دعوت و سراغ رفتن نباشند، بلکه خود سراغ آیند و به جستجو برخیزند. و انتظار سازمان حزبی را برآورده سازند. اگر هم در شهری امکانات تماس فعلاً فراهم نیست، میتوان با نزدیکترین نقطه که در آن دفتر حزب گشایش یافته، تماس گرفت و خود پیشنهاد داد و طرز سازمان دادن و گردآوری نیروها را توصیه کرد.

در ضمن عده‌ای از دوستان که هنوز در شهرستان بوفت حزب دائر نشده، سؤال کرده‌اند که برای تماس با حزب چه کنند؟ اگر امکان مسافرت به تهران را دارید، میتوانید مستقیماً بدبیر خانه مراجعه کنید که سهلترین راه است و زودتر از همه به نتیجه میرسد. اگر نه، بدفتر حزب در نزدیکترین شهر محل اقامت مراجعه کنید و اگر امکان هیچ سفری را ندارید، ناچار برای تماس تشکیلاتی، باید تا افتتاح دفتر حزب در

## اعلام واقعیات

### دست شایعه

## پردازان را کوتاه

### میکنند

شایعه پراکنی و سپس جمع‌بندی شایعات حساس شده از شویوهای عمل «سپاه» امریکا است، و تمام دست پروردگانش نظیر ساواک و موساد و... نیز در این زمینه کار کشته‌اند. وجود یک تشکیلات مستقل و مجهز برای شایعه پراکنی در سازمان مخوف ساواک شاه مخلوع از جمله دلایل این امر است. سیا و عمل سرسپرده رژیم سرنگون شده - ساواک در این زمینه بر فعالیت‌های خود افزوده‌اند و در باره مسائل مختلفی که مردم نسبت به آنها دغدغه خاطر دارند، بی‌وقفه شایعه در درشهرها پخش می‌کنند تا از سوئی نگرانیها را تبدیل به دلزدگی از انقلاب کنند و از سوی دیگر با جمع‌بندی، نتایج بدست آمده از شایعات، نقاط ضربه‌پذیر نهضت را مشخص تر کنند. این تلاش از قبل از پیروزی قیام مسلحانه مردم و پیروزی انقلاب بعنوان مختلف شروع شده بود و اکنون با شدت بیشتر و با مضمونهای مختلف ادامه دارد.

شدت این تلاش را میتوان از روی سخنان اخیر سخنگوی دولت تشخیص داد. وی در مصاحبه اخیر خود رسماً اعلام داشت که شایعات حساس شده‌ای از سوی افراد ضد انقلاب در سطح مملکت پراکنده می‌شود. از جمله اینکه گفته میشود هفته‌ای شش میلیون دلار از سوی افراد ضد انقلاب، که مرکز آن در تهران است، صرف تبلیغات و شایعه پراکنی بر ضد انقلاب ایران می‌شود.

سخنگوی دولت توضیحات بیشتری در این زمینه تداد و از محور اصلی شایعات نیز سخنی بهمان نیاورد، در حالی که مردم چنین انتظاری را دارند تا بدانند کدامیک از این همه زمنه‌های که در ایران جریان دارد، شایعه است و کدام واقعیت. اگر تمام واقعیتها، آنطور که روی می‌دهد و وجود دارد، برای آگاهی عموم منتشر شود، قاطع‌ترین روش برای خنثی کردن شایعات اتخاذ نشده است؛

شهر خود صبر کنید. منتهی لازمست که مطابق رهنمودهای حزب عمل کنید و «مردم» را بدقت بخوانید و سیاست حزب را تبلیغ کنید و فعلاً از طریق پست با «مردم» تماس بگیرید.

\*\*\*

دوستی خبری داده است که در جهت تأیید برخی فعالیت‌های مشکوکی است که در نهایت امر بسود ضد انقلاب است. خبر از فرخ شهر (تهفرخ) است که طبق آن، کتابفروشی بهرنگه، جمعه شب ۱۳ تیرماه توسط عده‌ای مورد حمله قرار گرفته و کتابها با آتش کشیده شده است. کتابفروشی که بیشتر کتب مترقی و مورد علاقه مردم را مفروضه، مورد خشم و غضب عناصری واقع شده که به انقلاب ضربه می‌زنند.

\*\*\*

در هفته‌های اخیر بازم اشعار فراوانی، در سطح‌های مختلف، دریافت کرده‌ایم. شعله، همکار قدیمی ما که قبلاً هم آگاهی از وی را در «مردم» خوانده‌اید، شمری با نام «دیدار» فرستاده، منجمله با این ابیات، «آری رفیق/ با من

چهارم مرداد ۱۳۳۲ در نبرد رویاروی با دژخیمان شاه مخلوع:

## ۳ رفیق کارگر توده‌ای، در مسجد سلیمان جان خود را فدای آرمان حزب توده ایران کردند

### مراسم بزرگداشت ۳ رفیق در مسجد سلیمان

مراسم بزرگداشت بیست و ششمین سالروز شهادت رفقای توده‌ای: بهار آقا اورک، حاجی مراد عباسوندی و مگروون گورویان، که جان خود را فدای آرمان حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران کردند، در مسجد سلیمان برگزار میشود. کمیته شهرستان حزب توده ایران از تمام اعضاء، هواداران و مردم مبارز مسجد سلیمان میخواهد که در این مراسم، که روز پنجشنبه ۲ مرداد، در بهشت زهرا ی چهارمیشبه برگزار میشود، شرکت کنند.

بهار بیشایش میرفت و پرچم را به اهتزاز در می‌آورد، دژخیمان بروی کارگران آتش گشودند و پیش از همه چند گلوله بر پیکر بهلوانی رفیق بهار نشست. رفیق با تن خونین، استوار و سرفراز، براه خود، براه طبقه کارگر، براه حزب توده ایران، ادامه داد. چند قدم آنطرف تر، رفیق سرانجام به خاک افتاد و پرچمش از خون او رنگ گرفت. رفقای دیگر پرچم را برداشتند و راه او را ادامه دادند. در آن روز دو رفیق دیگر هم، رفق حاجی مراد و مگروون گورویان شهید و دهها کارگر سندیکی مجروح شدند. صد نفر از رفقای کارگر توده‌ای هم به زندان برده شدند. خبر شهادت رفق، شهر را به آستانه انفجار کشاند. دژخیمان از هراس گریختند. مردم شهر به رهبری رفقای کارگر توده‌ای در تلگراف خانه متحصن شدند و دستگیری و مجازات مسببین حادثه را خواستار شدند. رفقای توده‌ای در سراسر ایران این خواست بحق را دنبال کردند و سرانجام دژخیمان دستگیر و زندانی شدند. اما، چند روز بعد کودتای ننگین ۲۸ مرداد روی داد و جوانان نه تنها از زندان آزاد شدند، بلکه پادشاهی جنایات خود را از شاه خائن گرفتند.

### خواست ما

حزب توده ایران از دولت موقت انقلاب میخواهد تا با بررسی حاد شهادت رفقای توده‌ای ما در روز چهارم مرداد سال ۱۳۳۲، سبب این فاجعه را اگر هنوز به حیات خائنان خود ادامه میدهند، به دادگاههای انقلاب بسپارد. رفقای ما، در سراسر ایران با بزرگداشت خاطره تابناک رفقای شهید در حادثه چهارم مرداد سال ۱۳۳۲ در مسجد سلیمان، سوگند می‌خورند که راه پرافتخار آنها را ادامه دهند.

خوش می‌باش/ و لحظه غنیمت دیدار را/ پر کن ز حجم خوب رفاقتها/ بگذار/ چشمان منتظر/ ترا/ در انتهای روزه ببیند. / فدا خاور شمیری فرستاده، تقدیم به خسرو روزه، شهید توده‌ای، منجمله با این ابیات، «پیشانی بلند/ ای نام نامی است/ بیدار باش کشورم را از فضل نانچوب کودتا/ تا ایام رهائی و نور/ به کدامین آقا نوس تملق داری/ که هنوز/ سیلابی از سرود و ستاره/ در درون من جاری است. / او شمر دیگری هم برای شهید توده‌ای «اقدام دوست فومنی» سروده با نام «نظام تلخ تیر» و منجمله با این ابیات، «آفتاب ولایت من/ ای حرارت باقی/ اینک امروز/ بن میز نیم/ در خاک خون و خاطره‌ات/ و جنگلی/ از فرزنانگان میسازیم. / و بالاخره این ستون را امروز با شعری با عنوان «با مردم زمانه» در «مردم» پایان میدهم، می‌آید/ با کوله بار تیر به / با کوله بار تیر به/ با کوله بار تیر به/ با کوله بار تیر به... / تجربه‌های بد، باسایه‌های سخت/ و لحظه، لحظه‌های توانستن... / استاده برستخ فلق، گلگون/ - با مردم زمانه، تا «مردم» / بارانی از ستاره بهامونش. / این شعر را الف. شین. «مستان» فرستاده است.

چهارم مرداد، یکی از آن روزهای بی‌شمار است که توده‌ای‌ها، این فرزندان وفادار خلق، دلاورانه به مصاف دژخیمان شاه مخلوع رفتند و از خونشان، پرچم نبرد کارگران رنگین تر شد. آن روز، چهارم مرداد سال ۱۳۳۲، حماسه نبرد و شهادت در مسجد سلیمان روی داد. رفقای حزبی ما، رفیق شهید بهار آقا اورک، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران صنعت نفت در مسجد سلیمان و عضو شورای متحد شهرستان مسجد سلیمان، رفیق شهید حاجی مراد عباسوندی، کارگر قسمت تعمیرات و عضو فعال سندیکای کارگران صنعت نفت و رفیق شهید مگروون گورویان، کارگر باز بین قسمت حسابداری، جان خود را در راه آرمان حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران فدا کردند. روز چهارم مرداد سال ۱۳۳۲، بدنبال مبارزات بیگانه حزب توده ایران، زمینه تاسیس سندیکای کارگران صنعت نفت در مسجد سلیمان فراهم گردید و از همه کارگران شرکت نفت حوزه مسجد سلیمان دعوت شد تا در دفتر سندیکا جمع شوند.

### وحشت امپریالیسم

امپریالیسم و ارتجاع، که از تاسیس این سندیکای کارگری به وحشت افتاده بودند، معمم شدند برای جلوگیری از گسترش نفوذ حزب توده ایران در این شهرستان، مانع تشکیل سندیکا شدند. سرپرندگان ارتجاع در منطقه، مهندس بلالی رئیس منطقه شرکت نفت، سر تیب مظفری و سر تیب مکروری استاندار و فرماندار مسجد سلیمان، با عوامل فئودال‌های وقت و کارگران سازمان‌های ارتجاعی برای جلوگیری از ایجاد سندیکا با هم متحد شدند. آنها دژخیمان سرشناسی چون سرگرد آزاد یگانه فرماندار نظامی، سرگرد منوچهری رئیس شهربانی وقت مسجد سلیمان و استوار پیل آرام و عده‌ای سرباز را برای کشتار کارگران دعوت کردند. نقشه دژخیمان این بود که با کشتار کارگران مبارز و فعالان حزب، مانع افتتاح دفتر سندیکا شوند.

رققای حزبی، که دفتر را در محاصره سربازان دیده بودند، در جلسه‌ای بساین نتیجه رسیدند که وظیفه آنها تشکیل سندیکاست و در این راه جان خود را هم خواهند داد.

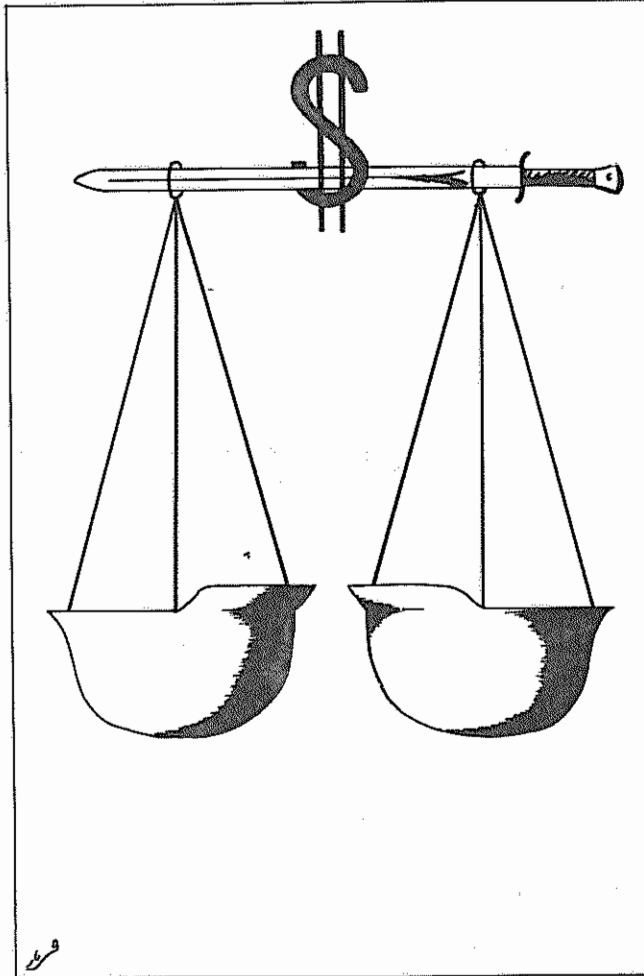
رققای حزبی، بیشایش صفوف فشرده کارگران، به محل دفتر رفتند. در آنجا کوشیدند با دژخیمان، که از دژفول و تهران برای کشتار دعوت شده بودند، مذاکره کنند و حق مسلم خود را برای دایر کردن سندیکا به آنها تفهیم کنند. اما جسدان از پیش نقشه قتل عام کارگران را کشیده بودند. چند مزدور ارتجاع، که در میان کارگران و مردم بودند، بطرف سربازان متک انداختند و آنها هم مطابق نقشه در جواب سنگها، یورش را آغاز کردند. رفیق بهار، بیشایش صفوف کارگران ایستاده بود. تا یورش سربازان آغاز شد، او پرچم سرخ کارگری را، که در دستهای نیرومندش قرار داشت، گشود و دلاورانه به جانب سربازان حرکت کرد و فریاد زد:

کارگران به پیش!

صفوف فشرده کارگران بحرکت در آمد. رفیق



# این «بررسی» قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا بالاخره چه شد؟



عدالت به سبک آمریکائی!...

همه خواستاران صلح و امنیت در ایران و در منطقه است. زیرا وجود این قرارداد، انقلاب ایران و امنیت کشور ما را بطلسر میانند. باید هر چه زودتر تمام کرد و این ورق نشکن را بی درنگ باید به زیباله دان انداخت.

قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا، که مکمل پیمان «بندار» (سنو) است، چگونه از طری دولتی که از سنو «خارج شده و خود را «غیر متعهد» اعلام داشته، هنوز حفظ میشود؟ خروج از «سنو» ضمن حفظ قراردادی که دست آمریکا را در مداخله و از جمله مداخله نظامی در ایران باز میگذارد، چه تعبیری دارد؟

در حال «معمای» خودداری از لغو قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا باید بیدرنگ در برابر مردم گشوده شود. مبارزات پیگیر چند ده ساله مردم ایران، بزندان افتادن، شکنجه کشیدن، اعدام شدن، نثار چاقو در خیابانها و بالاخره انقلاب با دهها هزار قربانی برای این بوده است که کشور از اسارت امپریالیستهای یابد و قرارداد دو جانبه سند «حقوقی» این اسارت است. اگر کسانی تصور میکنند که از این ستون بآن ستون فرج است و میتوان با بتعویق انداختن الغاء قرارداد دو جانبه، آنرا حفظ کرد چنین کسانی، اگر احتمالاً وجود دارند، اشتباه میکنند. این قرار داد برای مردم ایران «قابل هضم» نخواهد شد. این قرارداد ملنی شدنی است و باید ملنی شود و به تعویق انداختن الغای آن، آنرا نجات نخواهد داد، زیرا که الغای این قرارداد خواست مردم ایران، خواست انقلاب ایران، خواست

هفتهها پشت سر هم و ماهها یکی بعد از دیگری سپری میشود و این «بررسی» قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا تمامی ندارد! متن قرارداد چندی پیش انتشار یافت و هر کسی این متن را دید، بی «بررسی» فهمید که این قرارداد سندی است که سلطه سیاسی- نظامی ایالات متحده را در ایران چهارمیخه کرده، تا آنجا که دولت ایران تابع بی چون و چسرای اختیاراتی شده است که کنگره آمریکا بطور فوق العاده بر رئیس جمهور آن کشور تفویض کرده است! هر کسی این سند را دید، بی «بررسی» فهمید که دولت آمریکا از رژیم خائن پهلوی «حق» گرفته است که در کشور، مداخله و از جمله مداخله نظامی کند و بر علیه مردم ایران، تحت عنوان مقابله با «تجاوز غیر مستقیم» (۱)، ارتز گسیل دارد. آیا لغو چنین سندی که بدولت آمریکا اختیار میدهد که «طبق قانون اساسی آمریکا اقدامات مقتضی را که شامل استفاده از نیروی نظامی خواهد بود»، نسبت به کشور و مردم ما اعمال کند، نیاز به «بررسی» دارد، و اگر نیاز دارد، این بررسی الی غیر النهایه نباید ادامه یابد؟

براستی خودداری از الزامی قرارداد تنکین و اسارت بخش دو- جانبه نظامی با امریکا حیرت انگیز است. گوئی نه انقلابی انجام گرفته و نه این انقلاب ضد امپریالیستی و برای تأمین استقلال کشور بوده است.

## مشی ما نسبت به دولت انتقاد سازنده است

آقای مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر، طی نطقی در ۲۸ تیرماه اعلام داشت که برای ایجاد وحدت تصمیم گیری و تمرکز قدرت، شورای انقلاب و دولت در هم ترکیب و ادغام شدند و ابراز امیدواری نمود که با ازین رفتن تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیری، دولت بتواند بر مشکلات فائق آید. اقدامی که در جهت یگانگی قدرت حاکمه انجام گرفته، اقدام مهمی است و اینک ما امیدواریم دولت که از ناهم آهنگی رهایی یافته، در جهت پیشبرد انقلاب جدی تر و قاطع تر از گذشته گام بردارد، با قاطعیت نفوذ اسارتگر امپریالیسم رادر کشور ریشه کن سازد و با قاطعیت، حقوق و آزادیهای دموکراتیک را تأمین، تحکیم و تثبیت کند.

ما دریاری بدولت، در انجام این وظایف خطیر، بسهم خود، مانند گذشته، خواهیم کوشید تمام اقداماتی را که در راه تحکیم استقلال کشور در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی و غیره و نیز در زمینه تأمین و تضمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک انجام گیرد، تأیید و تقویت کنیم و در عین حال، هر کجا، در زمینه های نامبرده، تعلل و تسامح مشاهده شود، آنرا مورد انتقاد سازنده قرار دهیم، یعنی ضمن انتقاد از نارسائیها خواهیم کوشید، پیشنهادهائی که بنظر ما برای نیل به هدفهای انقلاب می تواند مفید باشد، آشکار و صریح مطرح سازیم. در گذشته نیز روش ما چنین بوده است. مامثلاً از ملی کردن بانکها، شرکت های بیمه و بخشی از صنایع بزرگ پشتیبانی کرده ایم و در عین حال خواستار شده ایم که دولت اولاً در این زمینه گامهای بلندتری بردارد و ثانیاً این تصمیمات را هر چه زودتر و با قاطعیت اجرا کند. یا مثلاً ما از اقدام دولت به لغو پیمان سنو قویا حمایت کرده ایم، ولی تعلل دولت را در لغو قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا، که بر مراتب بیش از پیمان سنو اسارت بخش است، قویا انتقاد کرده ایم. یا مثلاً ما اقدام دولت را به اخراج بخشی از مستشاران نظامی آمریکائی مورد تأیید و پشتیبانی قراردادها، ولی در عین حال می خواهیم که دولت، ارتش جمهوری اسلامی ایران را از وجود تمام مستشاران آمریکائی پاک کند، ارتش را از هر گونه وابستگی تسلیحاتی، سازمانی، تعلیماتی و ایدئولوژیک به دستگاه دولتی و نظامی آمریکا رهایی بخشد.

این مشی انتقاد سازنده، که همراه با پیشنهادها مشخصی نیز هست، موجب تقویت قدرت حاکمه و دولت است و نه تضعیف آن، زیرا هر قدر دولت در راه رسیدن به اهداف انقلاب - استقلال و دموکراسی- با گامهای بلندتر و با قاطعیت بیشتر پیش رود، تن به فشارهای امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته ندهد، بهمان نسبت پایگاه اجتماعی خلقی خود را مستحکم تر می سازد و بنابراین قوی تر میشود. و برعکس، هر قدر دولت با دشمنان بالفعل و بالقوه انقلاب آشتی پذیرتر باشد، از مردم جداتر خواهد شد و بنابراین ضعیف تر خواهد گردید.

ما نمی خواهیم دولت ضعیف گردد. ما می خواهیم دولت دم در راه پیشبرد انقلاب، تا سرانجام پیروزمندان، نیرومندتر گردد. بهمین دلیل ترکیب و ادغام شورای انقلاب و دولت را، تمرکز قدرت حاکمه را تأیید می کنیم. ما به مشکلاتی که در برابر دولت قرار گرفته است، واقفیم. ما میدانیم آن بلائی که محمد رضای خانی بر سر کشور و ملت ما آورد، با یک چشم بهم زدن رفع شدنی نیست. بنابراین ما توقع نداریم که دولت «معجزه» بکند. ولی در عین حال ما میدانیم که پس از هر انقلابی، ضد انقلاب، چون جانوری زخم خورده، تمام نیرویش را برای بازگرفتن مواضع از دست داده بکار می برد، مقاومتش ده چندان میشود و بنابراین هر انقلابی، اگر با قدرت به پیشروی خود ادامه ندهد، به عقب رانده میشود، و عقب نشینی در انقلاب، خطر مرگ انقلاب را در پی دارد. از این رو ما از دولت می خواهیم که در راه انقلاب با قدرت پیشروی کند، موانع را با قدرت از سر راه پیشرفت انقلاب بردارد، از این موضع بادشوار بهار و برور گردد که، باتکیه به خلق، باتکیه به نیروهای راستین انقلابی، می توان دشواریها را یکی بعد از دیگری، بر وفقه از پیش پا برداشت. برای انجام اینکار عظیم «نیروی انسانی» هست. منتهی باید این نیرو را گرد آورد و سازمان داد، از نوآوری نهراسید، از شکستن پایگاههای رژیم کهنه بیم نداشت، با جسارت «طرح نو» برداشت.

چنین است مشی ما نسبت به دولت و نظر ما نسبت به نحوه رفع دشواریها و پیشبرد امر انقلاب. در یک کلام، ما بر آنیم که دولت اینک با ترکیب شورای انقلاب تقویت شده و باید در راه پیروزی کامل انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران با قاطعیت بیشتر گام بردارد.

## هشدار: ارتش باید از ضد انقلاب بیدرنگ پاک شود

امری است که اگر از امروز بفردا موکول شود، میتواند خطرات جدی برای انقلاب ایجاد کند. ما گفته ایم و تکرار میکنیم که برای سالم سازی ارتش، در درجه اول و بدون کمترین درنگی باید سازمان ضد اطلاعات کثونی ارتش منحل گردد. این سازمان شبکه اداره جاسوسی پنتاگون در ارتش ایران است. انحلال این سازمان ضرورت حیاتی دارد. تمام افراد ضد اطلاعات باید از ارتش اخراج گردند. تمام مستشاران، کارشناسان و متخصصان نظامی آمریکائی که هنوز در ارتش، بهر عنوانی باقی مانده اند، باید فوراً اخراج گردند. اینان مأموران پنتاگون در ارتش ایرانند. اگر انقلاب ایران ضد امپریالیستی است - که هست - پس نمیتواند نه سازمان «ضد اطلاعات» ساخته پنتاگون، نه مأموران مستقیم پنتاگون را در ارتش ایران تحمل کند.

به او دروغ گفته اند، با ناراحتی یادگان را ترک میکند. ۴- در یادگان نظامی کازرون این روزها اعلامیه هائی علیه امام خمینی پخش شده است. در اعلامیه از امام انتقاد شده که گویا ایشان قصد دارند حقوق درجه داران را نصف کنند و نصف آنرا در اختیار یاسر عرفات و فلسطینیها بگذارند. نتیجه ای که از این اخبار موقوف میتوان گرفت، ناگفته پیداست: ضد انقلاب در داخل ارتش فعال و گستاخ شده است. دلیل اینکه این فعالیت و گستاخی امکان پذیر شده، تعلل و تسامح در تصفیه ارتش از ضد انقلاب، تعلل و تسامح در نوسازی ارتش و تبدیل بنیادی آن بیک ارتش ملی و دموکراتیک است که در آن انضباطی آگاهانه بسود انقلاب حکمفرما گردد.

**ابتدا چهار خبر موق:**

- ۱- در برخی یساذگانها اعلامیه ای به امضاء «پالیز بان و یاران» مخفیانه پخش شده و در آن وعده داده شده است که «بزودی باز میگردند» و به «اوضاع آشفته پایان میدهند».
- ۲- در ارتش گروه هائی پنهانکار بنام گروه های «ضربه انتقام» تشکیل شده است که ضمن تبلیغ خصمانه علیه انقلاب و امام خمینی، برای کودتا تدارک می بینند.
- ۳- روز ۲۱ مرداد ۵۸، یک ژنرال آمریکائی با لباس نظامی وارد یادگان لویزان (ستاد ارتش) میشود و خواستار ملاقات با تیمسار فرمانده میگردد. فرمانده دستور میدهد بساو بگویند که فرمانده در یادگان حضور ندارد. ژنرال آمریکائی که متوجه میشود

### از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

- عده ای از کارگران ازسازی ۵۰۰۱ ریال
- هواداران حزب در امریکا ۱۰۹۲۰۰ ریال
- از رفقای «امید» و گروهی از هواداران حزب در انگلستان ۲۳۰ لیره
- سونیا گد دانش آموز (برای کمک به حزب پدرش) ۱۰۰۰ ریال
- م. نیکزاد ۱۰۰۰ ریال
- گروه شعبانی ۱۰۰۰۰ ریال
- زن وشوهر معلم ازسازی ۲۰۰۰ ریال
- ۱۴/۸ از بندر انزلی ۵۰۰۰ ریال

سینه به تنور چسبانند، بعد هم از مردم ایران خواسته اند که سرود «ای ایران، ای مهد پرگوهر» را هر روز صبح گوش کنند و مهمتر از همه دریایان فرموده اند: «من به آینده ایران امید دارم». لابد

### «ارباب بختیار» هم از راه رسید

جناب را از زیر قرآن گذراندند! بعد هم، جناب بختیار، بدون ارتباط با این مسائل (۱)، توسط کاست پیمای فرستاد که خبر گزاریهای امپریالیسم آن را با ذوق وشوق مخا بره کردند و روزنامه معلوم-الحال هم آنرا به چاپ رساند، تا باین ترتیب بختیار از «محبوبیتی» که رنگین نامه ها برای اش کسب کرده اند، استفاده کند. ایشان در پیام خود کلی ادعای میهن پرستی کرده اند، از دفاع از سازمانهای حقوق بشر آمریکائی غافل نمانده اند، اعلام داشته اند که شیرازه مملکت از هم پاشیده و هر چه و هر چه حاکم است و کلی از این

بالاخره «ارباب بختیار» هم وارد میدان شد. جناب «مرغ طوفان» با دادن پیامی که در صفحه اول یکی از روزنامه ها به چاپ رسید، توطئه ضد انقلاب را تکمیل کرد.

پیام «ارباب بختیار» مکمل توطئه ضد انقلاب از طریق رنگین-نامه ها بود. رنگین نامه ها از مدتی قبل، ظاهراً بدون ارتباط با هم (۱) همانطور که در «مردم» خواندید، شروع به چاپ عکس و تصویلات بختیار کردند، او را انقلابی معرفی کردند و حتی روی جلد یکی از آلوده ترین رنگین نامه ها، آن

# بزرگداشت ۳۰ تیر با راهپیمائی هزاران توده‌ای

هزاران نفر از اعضای، هواداران و دوستان حزب توده ایران در مراسم بزرگداشت ۳۰ تیر شرکت کردند. مراسم ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه ۲۹ تیر از پل سیمان در خیابان شهرری آغاز شد. در جلوی صفوف راهپیمایان، که از پل سیمان بطرف مزار شهدای ۳۰ تیر در آبناب با بویه حرکت میکردند، چند ردیف جوان دیده میشدند که شاخه‌های گل در دست داشتند. جمعیت در حالیکه در دوسو از جانب مأموران انتظامات، محافظت میشد و سرود ۳۰ تیر را زیر آلب زمزمه میکرد، در نظم چشمگیری بجزانب مزار شهدا میرفت. دهها پلاکارد در دست راهپیمایان دیده میشد، که روی آنها نوشته شده بود:

- گرامی باد خاطره تابناک شهدای ۳۰ تیر
- ما موضع قاطع و بیکیفر امام خمینی رهبر انقلاب ایران را برضد آمریکا تأیید میکنیم
- ما خواهان سرکوب کامل عمال شاه - ساواک هستیم
- سیام تیر مؤید ضرورت اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و میهن پرست است
- برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق
- از سیام تیر بیا هوزیم، اتحاد، اتحاد، اتحاد
- دشمن اصلی امپریالیسم آمریکا است
- جبهه اصلی نبرد، جبهه ضد امپریالیستی است

وقتی جمعیت به آبناب بویه نزدیک شد، طبق قراری که از جانب کمیته برگزاری مراسم گذاشته شده بود، پلاکاردها جمع آوری گردید. در این موقع گروهی که شعارهای ضد کمونیستی و ضد توده‌ای میدادند، کوشیدند به جمعیت حمله کنند. راهپیمایان با نظم تمام شعارهای این گروه قلیل را در بانگ پرطنین «زنده باد جبهه متحد خلق» فریاد میزدند. پاسداران، با هجوم این عناصر ضد انقلابی، فعالیت را آغاز کردند و بدون آنکه آنها را پراکنده کنند، مانع حمله آنها به صفوف راهپیمایان شدند.

رفیق محمدعلی عمویی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، طی سخنانی از جمله گفت:

«بزرگداشت ۳۰ تیر برای حزب ما تنها یادآور یک روز، یک رویداد، یک تاریخ نیست. برای حزب توده ایران رخداد ۳۰ تیر، علاوه بر آنکه تجلیل از حماسه وحدت عمل یک خلق، شکفتگی در نبرد، استقامت و قهرمانی است، مهمتر از آن فعلیت حاد، ماندگاری آن با حوادثی است که امروز در میهن ما میگردد و مهمتر از همه پندآموزی از این رویداد مهم تاریخی است. امروز نیز پس از بیست و هفت سال، خلق قهرمان ما در مقامی بس بزرگتر، سرگرم نبردی سرنوشته‌ساز علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست. امپریالیسم آمریکا، که زیر ضربات مداوم انقلاب، جراحات فراوان برپیکر دارد، با تمام توان خود در کار دسیسه علیه انقلاب ماست. اتحاد خلق، که رمز پیروزی قیام حماسه آفرین ۳۰ تیر و انقلاب شکوهمند ۲۲ و ۲۳ بهمن بود، میتواند رمز تداوم و تثبیت این پیروزی باشد. علیرغم همه دسیسه‌ها و تفرقه افکنی‌های دشمن، مردم هشیار و بیدار دل ایران با ردیگر حد اعلا آگاهی انقلابی را از خود نشان دادند. «راهپیمایی وحدت» که بدنبال دعوت امام خمینی صورت گرفت، هشت محکمی بود بر یوزه امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی و خارجی. دو میلیون نفری که روز سه شنبه ۲۶ تیر چون امواج خروشان در شهر تهران بحرکت درآمدند و میلیونها نفری که در سراسر کشور در راهپیمایی وحدت شرکت کردند، نشان دادند که رمز پیروزی ۳۰ تیر را، که اتحاد نیروها بود، دریافته‌اند و بدان عمل میکنند. وحدت نیروهای انقلابی، ضامن حفظ و تداوم انقلاب است. برقرار باد اتحاد همه نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی در جبهه متحد خلق!»



نتیجه هجوم عناصر ضد انقلابی به یکی از اتوبوسهای حامل راه پیمایان

## پاسخ دندان شکن خلق به عناصر ضد انقلابی در بزرگداشت سیام تیر

بعد از حمله عناصر مائوئیست و ساواکی به اتوبوسهای حامل افراد حزب، من به اتفاق یکی از رفقا به داخل کوچه‌ای که در آن نزدیکی بود، رفتیم. ساکنین کوچه درهای خانه‌های خود را باز گذاشته بودند تا افرادی را که از چنگ مهاجمان گریخته‌اند، پناه دهند. در یکی از خانه‌ها چند مجروح دیده میشد. آنها افراد عادی بودند که برای زیارت آمده و اشتباها سوار اتوبوس شده بودند و حمله مهاجمان آنها را زخمی کرده بود. اهالی محل و مخصوصاً جوانها بشدت خشمگین بودند. از آنها پرسیدیم: «این افرادی که حمله کردند مال محله شما بودند؟» جواب دادند: «خدا نکند آقا، اینها ساواکی هستند، اینها آبروی مسلمانها را برده‌اند». جوانها از مایه خواستند به خانه آنها برویم، خستگی بدرکنیم و جای بنوشیم تا محیط آرام شود. جوانها به ما می‌گفتند: «اینها هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. شهادت مردم هستیم». در این موقع زن مستی با پای برهنه به کوچه دوید و من و رفیق را با اصرار به خانه‌اش برد. وی مدام می‌گفت: «قر بانان بروم. شما بچه‌های من هستید. چرا آمدید اینجا؟ این بی‌درمادر ها که حمله کردند دشمن اسلامند. خودم چادر سر میکنم و تاملیدان شوش شما را میبرم». چند لحظه بعد پس این زن هم آمد، میگفت: وقتی به شما حمله کردند، من بالای پشت بام بودم، از آنجا فریاد می‌زدم و میگفتم: «به مردم رحم کنید. به زن و بچه مردم رحم کنید». نزدیک بود خودم را از آن بالا بماندازم روی اتوبوس.



راننده‌ای که بر اثر هجوم عناصر ضد انقلابی مجروح شده است

مینی بوس ماحمله کردند، شیشه‌ها را خرد کردند و قصد داشتند ما را پائین بکشند، اما موفق نشدند. سرانجام مینی بوس حرکت کرد. در این موقع متوجه ۳ دختر در داخل مینی بوس شدیم که با سخنان تحریک آمیز خود نسبت به درون طرف میکوشیدند تنور را داغ تر کنند. معلوم بود توده‌ای نیستند. چون توده‌ای خرابکار نیست و مردم را به جان هم نمی‌اندازد. یکی از رفقا، که آنها را می‌شناخت، دستشان را رو کرد و فریاد زد: شما که تا چند دقیقه پیش روزنامه سازمان انقلابی را می‌فروختید، حالا اینجا چکار می‌کنید؟ آنها اول دست و پایشان را گم کردند و بعد شروع کردند به گفتن اراجیف. یکیشان گفت: «شما صادق هستید. تمام اعضای حزب مثل شما نیستند». رفقا حرفش را قطع کردند و گفتند: تمام اعضا و هواداران به حزب خود ایمان و اطمینان دارند. مائوئیست‌ها که با جواب دندان شکنی رو بر و شده بودند،

در مراسم بزرگداشت شهدای ۳۰ تیر، که روز ۲۹ تیر در آبناب با بویه انجام شد و حزب توده ایران در آن شرکت کرد، دو حادثه روی داد که از طرفی نقش عناصر ضد انقلابی از جمله مائوئیست‌ها را در تحریکات بازهم روشن تر کرد و از طرف دیگر نشان داد که توده‌های خلق به درستی میدانند که دوستان خلق کیانند. یکی از هواداران حزب توده ایران، که در مراسم شرکت داشته، حادثه اول را اینطور تعریف میکند:

دقایقی بعد چند نفر از جوانهای محل آمدند. فهمیدیم که بر ایمان تا کسی آورده‌اند. وقتی با تک تک آنها خداحافظی می‌کردیم، بغض گلویم را گرفته بود. دلم میخواست به یک يك آنها بگویم: برادرانم، رفقایم، عزیزانم، شما بار دیگر نشان دادید که خلق زحمتکش و انقلابی ایران دشمن را به درستی می‌شناسد و دوستان را هم تشخیص میدهد. شما آگاه هستید. دشمنان خلق!

کتابی از مائو را بهمانشان دادند که مطالعه کنیم! مآ که دیگر حوصله امان سر رفته بود، از راننده خواستیم بایستد و آنها را بی کارشان فرستادیم.

### پاسخ خلق به دوستانش

رفیق دیگری ماجرای بعدی را اینطور می‌نویسد:

### هجوم عناصر ضد انقلابی

بعد از قرائت قطعه نامه صفوف متشکل راهپیمایان به گورستان رفت، بر مزار شهدا طواف کرد و محل را ترک گفت. در این هنگام گروهی از ضد انقلابیون بایک حمله سازمان یافته، به یک مینی بوس حامل راهپیمایان حمله و ۴ نفر از هواداران حزب توده ایران را مجروح کردند. حمله این گروه، که اکنون دیگر روشن شده ترکیبی از ساواکی‌ها و مائوئیست‌ها (بویژه «سازمان انقلابی») آنها را رهبری کرده و گروهی از افراد قشری هم سیاه لشکرشان را تشکیل میدهد باین ترتیب انجام شد:

وقتی همه اتوبوسهای حامل راهپیمایان حرکت کرد و قطب در اتوبوس و مینی بوس باقی مانده بود، که آنها هم در آستانه حرکت بودند، یکی از افراد «سازمان انقلابی»، که در نزدیکی اتوبوس بود، سوت زد و ناگهان گروهی نزدیک به ۵۰ نفر، در حالیکه شکل تحریک آمیزی میدویدند و شعار می‌دادند، پیدایشان شد. آنها اتوبوس را محاصره کردند و شروع به دادن دشنام کردند. در این موقع یکی از اعضای کمیته، که اسلحه در دست داشت، سعی کرد آنها را آرام کند، اما چون موفق نشد، شدت عمل بیشتری نشان داد. اتوبوس برغم تهدید این عناصر مشکوک حرکت کرد و دور شد. سپس ضد انقلابیون بطرف مینی بوس رفتند و یکی از آنها سعی کرد در طرف راننده را باز کند. ولی راننده بشدت مانع شد و حرکت کرد. در این موقع اتوبوس سوم، که بر از مسافر بود، آهسته شروع به حرکت کرد. عناصر ضد انقلابی به این اتوبوس حمله کردند و در حالیکه راننده عکس امام را، که به شیشه جلو چسبانده بود، نشان میداد و میگفت: «به اتوبوس من کاری نداشته باشید». مهاجمان با سنگ‌های درشتی که در دست داشتند، شیشه‌های جلو و چهار شیشه سمت

### قطعه نامه حزب توده ایران

بعد از سخنان رفیق عمویی، قطعه نامه راهپیمایی توسط رفیق کارگر، حمید قاسمی، که بعد از تحمل ۱۵ سال زندان، با انقلاب شکوهمند مردم آزاد شده، قرائت شد:

ما همزمان با بزرگداشت خاطره تابناک شهدای ۳۰ تیر، که جان خود را در ریکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای آزادی و استقلال ایران از دست داده‌اند، اعلام میداریم که:

- ۱- ما بسا الهام از خاطره شهدای ۳۰ تیر، نبرد را علیه امپریالیسم و ارتجاع و اعمال رنگارنگشان تا پیروزی قطعی و نهایی ادامه خواهیم داد.
- ۲- ما با تمام قوا تلاش میکنیم تا همه نیروهای ضد امپریالیست و میهن پرست در یک صف واحد برضد دشمن مشترک مبارزه کنند و از همه نیروهای انقلابی طلب میکنیم که در این لحظه حساس برای دفاع از انقلاب و سرکوب ضد انقلاب متحد شوند.
- ۳- ما در بسط و تحکیم دستاوردهای انقلاب از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم ورزید.
- ۴- ما طلب میکنیم که دادگاههای انقلاب، که تیلور خشم و آگاهی انقلابی توده‌هاست، با قدرت هر چه تمامتر به کار خود ادامه دهند.
- ۵- ما از موضع گیری بیکیفر و قاطع امام خمینی در مبارزه علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده شاه خائن پشتیبانی میکنیم.
- ۶- ما از دولت طلب میکنیم که کلیه قراردادهای اسارت بار امپریالیستی، بویژه قرارداد دوجانبه ایران و آمریکا را بیدرنگ ملغی سازد.
- ۷- ما از همه نیروهای راستین انقلابی می‌طلبیم که برای تصویب یک قانون اساسی مترقی و دمکراتیک متحد آمیزه کنند.



# ایران : گرایش خطرناک

عنوان مقاله ای است که، ناگاریا کف، مفسر خبرگزاری شوروی نورستی نگاشته است. در این تفسیر چنین میخوانیم:

ایران بعد از انقلاب، مرحله دشوار استقرار جمهوری را میگذراند. کشور دچار مشکلات عظیم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که باید در اسرع اوقات حل شود.

در حالی که ایران هنوز در فکر تجسس راه هائی برای رفع این مشکلات است، توطئه امپریالیستی در اطراف آن گسترش می یابد، توطئه ای که هدف از آن بازگرداندن کشور به مسیر گذشته است. آنچه که بخصوص نگرانی جدی را برمی انگیزد، نقش ایالات متحده آمریکا مبنی بر تشکیل سپاه واکنش سریع، پتمداد ۱۱۰ هزار نفر، بمنظور عملی ساختن مداخله در منطقه خلیج فارس است.

در این اوضاع واحوال، تلاش های مشترک ارتجاع خارجی و داخلی متوجه بی اعتبار کردن آیت الله خمینی، پیشوای انقلاب و مخالف سرسخت ارتباط با ایالات متحده آمریکا و تجزیه نیروهای ضد امپریالیستی در کشور است. صرف نظر از موج نیرومند ضد آمریکایی که ایران را فرا گرفته، نمایندگان رسمی و غیررسمی ایالات متحده مصرانه در بین هیات اداری جدید ایران در تجسس متحدینی برای خود هستند تا بتوانند لاف اول قسمتی از مواضع خود را، که با سقوط رژیم شاه از دست داده اند، احیاء کنند. در جریان این مدام اطلاع داده میشود که صدها عامل سیا هنوز در ایران مشغول فعالیت اند و توطئه های ضد انقلابی، تحریکات و خرابکاریها را سازمان میدهد.

نیروهای ارتجاع بمنظور برده پوشی مقاصد واقعی خود، طبق معمول جهت مخالف، یعنی اتحاد شوروی را نشان میدهند و گاهی این قبیل تحریکات مورد تأیید و پشتیبانی برخی از رجال و اعضای هیات دولت قرار میگیرد. در اظهارات این رجال بارها مطالبی دیده شده که متوجه خلل رساندن به روابط حسن همجواری دو کشور است. دو کشوری که ۲۵۰۰ کیلومتر سرحدات مشترک و سنت های عمیق همکاری متقابل مقید دارند.

در روزهای اخیر روزنامه «پراودا» پیرامون یکی از این قبیل اظهارات مصاحبه صادق طباطبائی - که طی آن بدون دلیل اتحاد شوروی را به ایجاد اغتشاش در استان بلوچستان متهم کرده بود، مطالبی نوشت. قبل از آن، اشخاص بکلی ناوارد، پیرامون زائد بودن کارخانه ذوب آهن اصفهان برای ایران اظهار نظر کرده و خواستار قطع صدور گاز طبیعی به قفقاز شوروی شدند و یا راه های مربوط به مناسبات شوروی - افغانستان را تکرار کردند.

البته این روش های ضد شوروی در سایر اظهارات رسمی مورد پشتیبانی قرار نگرفت. آقای آشتیانی مدیر عامل شرکت ملی ذوب آهن ایران در مصاحبه با روزنامه «آیندگان» ضرورت رساندن قدرت تولیدی کارخانه به ۱/۹ میلیون تن فولاد در سال را تأکید کرد، زیرا احتیاج سالانه ایران به فلز ۴/۵ میلیون تن رسیده است. با این وصف، حملات علیه همکاری دو کشور ادامه دارد، بویژه تلاش در زمینه همسنگ قرار دادن روابط ایران با ایالات متحده و روابط شوروی - ایران دقت لازم را برمی انگیزد. در روزهای اخیر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه

ایران، ضمن يك مصاحبه، درباره لوفو احتمالی قرارداد با آمریکا، که در سال ۱۹۵۹ منعقد شده و قرارداد با اتحاد شوروی، که از سال ۱۹۲۱ وجود دارد، مطالبی گفت.

قرارداد اسارتبار درباره همکاری و دفاع متقابل با آمریکا، ایران را در نقش ژاندارم منطقه تأیید مینماید و کمک نظامی «به انضمام استفاده از نیروهای مسلح»، بعبارت دیگر تهاجم را، برای آن تضمین میکند. این قرارداد یکی از حلقه های اصلی آن زنجیری بود که ایران را مقید ساخت، با این قرارداد بیش از دو هزار قرارداد و موافقت نامه غیر برابر پدید آمد که بر اساس آنها آمریکا سالیان متمادی ثروت های ملی ایران را در ازای سلاح ها، آنهم سلاح هائی که آمریکا طبق انتخاب و صلاح دید خود بایران تحویل میداد، چپاول میکرد.

اما قرارداد با اتحاد شوروی در عرض ۵۸ سال، صلح و همکاری مبتنی بر تساوی حقوق و نفع متقابل را تأمین میکند، همکاری که متوجه تأسیس و توسعه رشته های کلیدی اقتصادی ایران است و نفعات و چپاول ثروت های کشور.

در سال های جنگ دوم جهانی یکی از مواد این قرارداد مورد استفاده قرار گرفت، ماده ای که به طرف قرارداد حق میداد که بطور موقت در شمال ایران ارتش وارد کند تا از پشت جبهه دول متفق دفاع نماید و ایران را از هجوم ارتش هیتلری، که در نقشه های آلمان نازی پیش بینی شده بود، مصون دارد. ارتش شوروی پس از پایان جنگ از اراضی کشور همجوار فراخوانده شد و نظام موجود در ایران کامکان باقی ماند. آیا این بهترین دلیل بر عدم مداخله اتحاد شوروی در امور داخلی ایران نیست؟

ناگفته نماند که ایالات متحده آمریکا، در سال ۱۹۴۳، بدون هیچگونه قراردادی نیروهای مسلح خود را بایران وارد کرد. در سال ۱۹۵۳ سیا توطئه چید و حکومت قانونی مصدق را سرنگون ساخت و شاه سابق را به تبعیت «طائوس» لرزان بازگرداند و تا آخریق دقایق، دیکتاتوری او را مورد حمایت و پشتیبانی قرارداد. آیا این دلیل بر مداخله گستاخانه آمریکائی ها در امور ایران نیست؟

قرارداد دفاعی، در ازای خدمت بشاه، برای ایران خیلی گران تمام شد. بهمین سبب طبیعی است که انقاي قراردادها و موافقت نامه ها با ایالات متحده آمریکا، بصورت یکی از خواست های عمده سیاسی مردم ایران در آمده است. مردم ایران با تجارب تلخ خود میدانند که در ورای کلمات «کمک آمریکا» چه چیزی نهفته است.

هر دولتی حق دارد بادیگر کشورها قرارداد منعقد کند، آنرا تغییر دهد و یا فسخ نماید. ولی در این تلاش که دوستد بین المللی بکلی متضاد، که با روح و کلمه در دو قطب مخالف هم قرار دارند، همسنگ قرارداد شوند - در این تلاش به گرایش خطرناکی راه داده میشود.

مردم شوروی نسبت به دستاوردهای انقلابی مردم ایران علاقه و حسن نیت و افرابرازمیدارند و به مجاهدات آنها در راه استقلال واقعی و رستخیز ملی ارزش مینهند. دولت شوروی بارها اعلام داشت که آماده است با همسایه جنوبی خود بهترین مناسبات حسنه را داشته باشد و آنرا بسط و توسعه دهد. حفظ و توسعه روابط دوستی و حسن همجواری، با منافع اساسی ملل دو کشور مطابقت دارد.

## حقایق مربوط به خیانت بختیار را صریحا و بطور کامل افشا کنید

در حالیکه تبلیغات بنفع شاپور بختیار در رنگین نامه های ایران همچنان ادامه دارد، وزیر امور خارجه دولت موقت، در سخنرانی خود در شرکت ملی نفت ایران اشاره ای گذرا و ناقص، که تمبیرهای گوناگون میتوان از آن کرد، به ماجرای روی کار آمدن شاپور بختیار کرد و گفت: او نیامده بود تا شاه را تثبیت کند، بلکه میخواست خودش جمهوری اعلام کند!

همانطور که گفتیم، از آنجا که این اشاره بسیار گذرا و کوتاه و ناقص بوده، میتوان به اشکال مختلف ارزیابی کرد و برداشتهای مختلفی از آن بشود. اینک اشاره میشود که بختیار نمیخواست شاه را تثبیت کند و نظرش این بود که رژیم شاهنشاهی را برچیند و جمهوری اعلام کند، نه تنها گوشه ای از ماجرای خیانت او را فاش نمیکند، بلکه در اصل بتوسی تعریف از اوست، چون مخالفت با شاه و سلطنت که خیانت نیست.

وزیر امور خارجه، در همین سخنرانی، اشاره کرد که حقایقی را برای گفتن دارد، که در صورت موافقت امام، آنرا فاش خواهد کرد و باینکه دیگر یادآور میشود که بر ملا ساختن تمام اسناد و مدارکی که در باره خیانت تاریخی شاپور بختیار وجود دارد، در این لحظات حساسی نه تنها واجب، بلکه یک امر وظیفه انقلابی است. اشاره گذرا و جوینده جوینده حقایق، کاری را از پیش نمی برد و گاه بجای افشاگری به نوعی تعریف تبدیل میشود.

بختیار یا خیانت کرده است (که خلق ایران، همچنان که در زیر رگبار گلوله در اولین روز تشکیل کابینه اش در خیا با آنها فریاد زد، «ما میگوی شاه نمیخواستیم نخست وزیر عوض میشد - ما میگوییم خر نمیخوایم یا لون خر عوض میشد»، معتقد است، خیانت کرده) و یا خدمت، که رنگین نامه های معلوم الحال قصد ثابت کردن آنرا، بدستور محافل معین و ضد انقلابی دارند. اسناد و مدارک میتواند حقیقت را - که خلق میدانند - تأیید کند و این را فقط رهبران انقلاب و دولت موقت، که مدارک و اسناد مذاکرات ژنرال هویرز آمریکائی با شاه مخلوع، قبل از عزیمت وی از ایران و همچنین مذاکرات بین بختیار و ژنرال های شاه مخلوع با مقامات سفارت آمریکا را در اختیار دارند، میتوانند عرضه کنند.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸



# شادمانی برای آزادی و استقلال نیکاراگوئه

رزمندگان دلیر نیکاراگوئه مردم شرافتمند سراسر جهان از رهایی این کشور از یوغ اسارت امپریالیسم و استبداد مزدور او، سوهوا، به یکسان شادمانند. به گزارش رویترز هزاران تن از مردم ماناگوا در خیا بانهای این شهر، تلاشی گارد به اصطلاح ملی ساخته و پر داخته آمریکا، پیروزی کامل و افتخار آمیز مبارزان ساندنیست و سقوط رژیم جابر سوسوزا را جشن گرفته اند. پرچم سرخ و سیاه ساندنیستها وسیله صدها چریک، که غالباً دختران جوان بودند، بر فراز کاخ سوموزای فراری به اهتزاز درآمد.

دولت ساندنیست از روز شنبه وظیفه دشوار بازسازی کشور را در پی جنگی طولانی و خونین آغاز کرد. پنج عضو هیئت حاکم زمام رهبری کشور را در میان شادی بی پایان دهها هزار تن از مردم نیکاراگوئه بدست گرفتند.

توهماس برهه، که یکی از بنیان گذاران جبهه آزادیبخش ساندنیست است، اعلام کرد که جنگ علیه گارد ملی پایان پذیرفت، لکن اینک نوبت بختیار با فقر، جهل، فساد و ویرانی است. لئونید ایلیچ برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در پیامی که برای دولت موقت نیکاراگوئه فرستاد اعلام کرد که اتحاد شوروی روابط دیپلماتی عادی با نیکاراگوئه برقرار خواهد کرد و روابط گوناگون خود را با این کشور گسترش خواهد بخشید.

اریش هونته کر، رئیس جمهوری دموکراتیک آلمان در تلگرام تبریکی که برای رهبران کنونی نیکاراگوئه فرستاد شناسایی رسمی دولت موقت ساندنیست را از طرف دولت خود اعلام کرد. بلغارستان سوسیالیست نیز اقدام به شناسایی رسمی دولت بازسازی نیکاراگوئه کرد. کشورهای دیگری نیز مانند بولیوی، پرو، کلمبیا، اکوادور و ونزوئلا که عضویمان آند هستند، دولت بازسازی نیکاراگوئه را برسمیت شناختند.

## اتحاد شوروی خواستار قطع تحریکات و تهدیدات علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام است

نیکلای فیرویوین، معاون وزارت امور خارجه شوروی، اعلام کرد که اتحاد شوروی اعتقاد دارد که حل مسأله مهاجران هند و چین در گروی قطع همه تحریکات و تهدیداتی است که منشأ آن شمال و هدف آن جمهوری سوسیالیستی ویتنام است. فیرویوین تأکید ورزید که بهترین وسیله حل مسأله پناهندگان هندوچین اجرای قراردادی است که میان ویتنام و کمیساریای عالی ویتنام پناهندگان انعقاد یافته و در آن پیش بینی شده است که داوطلبان با برخورداری از نظم و ایمنی مهاجرت کنند. وی همچنین متذکر شده که در این قرارداد تصریح شده است که باید به تحریکات و تهدیدهایی که از شمال علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام متوجه است و همچنین به مداخله در امور داخلی آن و به تحریک افراد چینی الاصل برای ترک ویتنام خاتمه داده شود. فیرویوین سپس ضمن تأکید بر این نکته که جنجال غرب در باره پناهندگان انگیزه و هدف انسانی ندارد، ارقامی مشروح و دقیق درباره کمک اتحاد جماهیر شوروی و چند کشور سوسیالیستی اروپا به بازسازی کشورهای هندوچین، که جنگ به ویرانیشان کشانده بود، ذکر کرد.

## آمریکا اسلحه می دهد و اسرائیل برای ادامه تجاوز بکارش می برد

خبرگزاری تاس اعلام کرده که وزارت دفاع آمریکا به کنگره این کشور اطلاع داد که درصدد است ۵۰۰۰ موشک ضد تانک و صد موشک ضد هواپیما به ارزش متجاوز از ۲۱ میلیون دلار به اسرائیل تحویل دهد. همین حمایت مادی و معنوی امریکاست که اسرائیل را در ادامه تجاوزهایش به جنوب لبنان، ادامه اشغال سرزمینهای عربی و ادامه توسعه طلبیهایش بصورت احداث آبادیهای یهودی نشین سمجتر و گستاختر می سازد. یکی از نمونه های حمایت معنوی آمریکا از اسرائیل رأی متمنع آن کشور در برابر قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد است. به گزارش آسوشیتد پرس، شورای امنیت در این هفته بر طبق قطعنامه ای که تصویب کرد از اسرائیل خواست که احداث و توسعه شهرهای یهودی نشین را در سرزمینهای اشغالی متوقف کند. لکن آمریکا به این قطعنامه رأی متمنع داد.

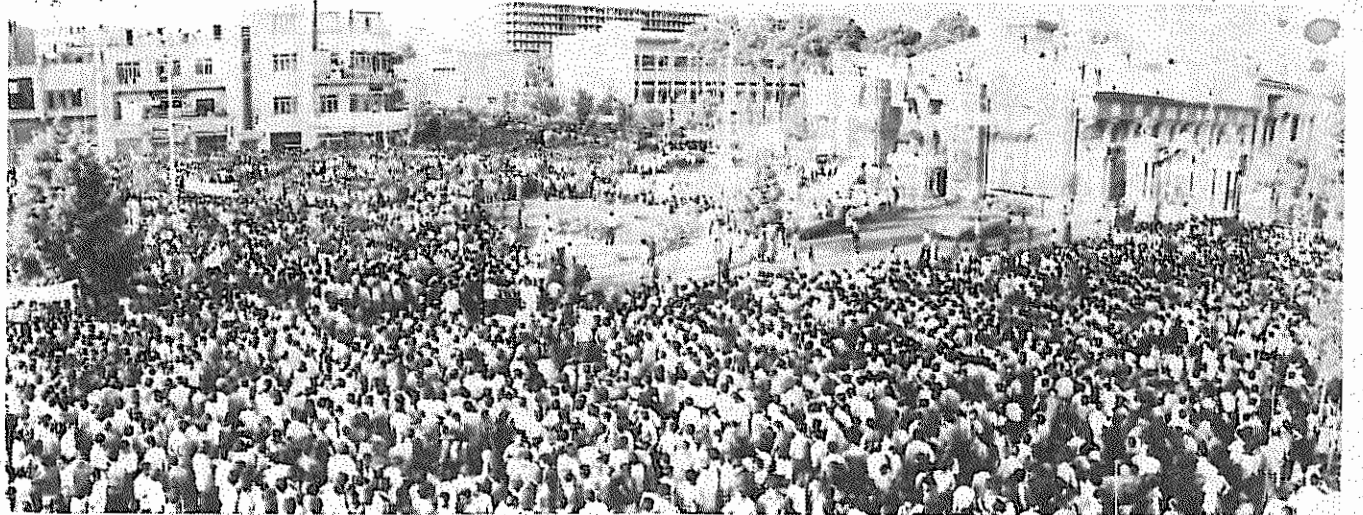
## رانندگان ساوا کی تا کسی هار معرفی کنید

تاکسیرانان تهران، با اشاره به سخنان اخیر سخنگوی دولت مبنی بر فعالیت ۸۰ راننده تاکسی برای پخش شایعات در سطح شهر، یادآور شده اند که، شما گفته اید ۸۰ راننده تاکسی در گروه های ۱۰ نفری مشغول فعالیت اند و هر روز صبح با اخذ دستور از مقامات متعرب کار خود را شروع میکنند. چون این موضوع توهمین صریحی باین صنف زحمتکش است، لذا ما رانندگان و دارندگان تاکسی مصرأ از شما تقاضا داریم که هر چه زودتر این هشتاد نفر را رسمأ معرفی کنید و بلافاصله از این صنف اخراج و تحت تعقیب قانونی قرار دهید. ما در حاشیه سخنان اخیر سخنگوی دولت و اظهارات رانندگان تاکسی درباره آن، یادآور میشویم که ساواک منحل، کسه بقیده ما عناصری از آن بطور پنهان و با استفاده از کندی کار دادگاه ها در دستگیری و سرکوب عوامل رژیم گذشته بر فعالیت خود افزوده اند، در گذشته دایرهای وسیع و گسترده برای پخش شایعات داشته است و برای این امر از همه عوامل کمک می گرفته است. بی شک یکی از این عوامل استفاده از تاکسیها و برخی رانندگان خود فروخته آنها بوده



### شعار دهها هزار نفر در مراسم بزرگداشت سی ام تیر در میدان بهارستان:

# نابودی امپریالیسم در گرو اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی است



**حزب توده ایران به پیروی از مشی اصولی و پیگیر خود برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی در این مراسم شرکت کرد. آیت الله طالقانی: اسلامی که ما می شناسیم هیچ آزادی ای را نفی نمی کند.**

دهها هزار نفر از مردم تهران بدنبال پیام آیت الله طالقانی ودعوت آیت الله زنجانی برای بزرگداشت سالروز سی تیر در میدان بهارستان، همانجا که دژخیمان آمریکا وشاه مخلوع خون دهها نفر از خلق قهرمان مارا به خاک ریختند، جمع شدند.

۲۷ سال پیش در این میدان، صفوف بیشمار مردم، که توده ایها پیشاپیش آنها حرکت می کردند، جمع شدند تا نفرت خود را از توطئه شاه خائن اعلام کنند. سی ام تیر امسال باردیگر مردم ضد امپریالیست گردهم آمدند تا اراده خود را برای ادامه انقلاب و نابود کردن امپریالیسم، بفرستند. امپریالیسم آمریکا اعلام دارند، در آستانه برگزاری این مراسم، آیت الله طالقانی از همه گروهها خواست که برای حفظ وحدت، از راهپیمایی و اجرای مراسم جداگانه خودداری و در مراسم میدان بهارستان شرکت کنند. حزب توده ایران به پیروی از مشی اصولی و پیگیر خود در مبارزه به خاطر اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی در این مراسم شرکت کرد. چریک های فدائی خلق، جبهه دمکراتیک ملی و جبهه ملی از سازمانهای بودند که به این دعوت پاسخ مثبت دادند و در مراسم شرکت کردند.

جمعیت و سیمی که در مراسم شرکت کرده بود بنا بر دعوت آیت الله طالقانی که در آن گفته شده بود، «گروهها و احزاب نباید با نام و عنوان ویلاکار در مراسم شرکت کنند»، ویلاکار همراه نداشتند و تنها شمارهایی داده می شد که از بلندگو اعلام میکردید.

در اطراف میدان بهارستان پلاکاردهای متعددی دیده می شد، - ما چه احتیاجی به رابطه با آمریکا داریم - امام خمینی - استعمار و استبداد را نابود کنیم - برقرار باد پیوند ضد امپریالیستی خلقهای مبارز - افتخار به گلگون کفنانیکه قیام سی تیر را آفریدند - نابودی امپریالیسم تنها در گرو اتحاد کلیه نیروهای ضد امپریالیستی است

- برقرار باد جامعه بی طبقه توحیدی قسط عاری از هرگونه استعمار و بهره کشی انسان از انسان به رهبری مستضعفین. مراسم، با تلاوت آیتی از قرآن مجید و ترجمه آن شروع شد. سپس پیام آیت الله زنجانی توسط پس ایشان خوانده شد. آنگاه پیام دکتر مصدق، که روی نوار ضبط شده بود، پخش شد. پس از اینکه سرود ۳۰ تیر خوانده شد، نوبت به سخنرانی آیت الله طالقانی رسید. جمعیت با شعار «درد بر طالقانی» از ایشان استقبال کرد. آیت الله طالقانی در سخنان خود، که در آن بر وحدت نیروها تکیه داشت، از تجربه ۳۰ تیر به عنوان «یک تجربه وحدت» نام برد و گفت:

«اکنون ما باز در یک مرحله تاریخی هستیم. با آن وحدت، آن اتحاد، آن مشت های گره کرده، که دربار چار و لاندهی استعمار را منهدم کردیم، دسیسه های زیر پرده است. از فکرها که هر روز دشمنان زخم خورده می ما در داخل و خارج دارند، غافل نباشید. ما چه میخواهیم؟ ما چه می گوئیم؟ آیا غیر از آزادی، غیر از عدالت اجتماعی میخواهیم؟ غیر از اینکه می خواهیم دست استعمارگر کوتاه شود؟ اسلامی که ما می شناسیم هیچ آزادی ای را نفی نمی کند. گروهها و جمعیتها چه میخواهند غیر از آزادی؟ آیت الله طالقانی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت، «روزنامهها را ببینید، هر روز برادر و برادر کشی. برادر کرد، برادر عرب، غیر از آزادی و قسط مطلب دیگری داری؟»

## سلام! توده ای، سلام!

هر کجا ببینمت  
خوب خواهمت شناخت  
از نگاه گرم و صادقانهات  
از تواضع و تلاش جاودانهات  
کز طلوع تا غروب  
در میان دیگر ستمکشان  
کار میکنی  
آری ای رفیق  
رنج سالهای بردباریت  
کوه سخت استواریت  
تکیه گاه پرتوان توده هاست  
مهربان خلق!  
مجری صدیق وحدت کلام  
گر ببینم و ببینمت سلام!

شعلا رها - ۵/۴/۵۸

اگر اسلام برقرار نشود، چطور می توانی آنها را به دست آوری؟ هر فرد باید بر حسب هوش و استعدادش در پست خودش قرار گیرد. در نظام عادلانه، باید از یائین به بالا انتخاب شوند و نظام را باید توده مردم اداره و انتخاب کنند. دربار از بین رفته، ولی نظام آن اکنون با برجاست.

در پایان مراسم، پیام خانواده یکی از شهدای ۳۰ تیر خوانده شد.

در طول مراسم، شعارهای زیرین از بلندگو خوانده میشد و جمعیت آنرا تکرار میکرد.

- آمریکا، آمریکا، ننگ به نیرنگ تو

خون شهیدان تیر می چکد از چنگ تو

- اتحاد، اتحاد پیام هر مسلمان

اتفاق اتفاق دشمن بیگانگان

- وحدت مستضعفین ضامن انقلاب است

خمینی بت شکن رهبر انقلاب است

- فرمان خمینی، دانشجوی کارگر

متحد و متفق بازار و پیشه ور

طبق گزارش خبرنگاران «مردم»، گروهی از عناصر مشکوک

که دیگر حضور آنها در همه مراسم حتی است، در این مراسم هم به

میدان بهارستان آمده بودند و با اینکه گردهم آئی به دعوت آیت الله

طالقانی و آیت الله زنجانی انجام میشد و از بلندگو مدام شعار:

- اتحاد، اتحاد، پیام هر مسلمان

تکرار میکردید، این افراد سعی کردند، با دادن شعارهای تحریک

کننده کار را به برخورد بکشاند.

این تحریکات، قبل از آغاز مراسم شروع شد و بعد از پایان

آنها دنبال گردید، اما هشیاری مردم فعالیت عناصر مشکوک را

خنثی کرد.

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!  
حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب ونوسازی جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاریهای اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما مطمئن داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می توان مستقیما به دفتر حزب داد و یا با تلفن های ۹۴۳۴۵۹، ۹۴۳۵۷۲۸ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان می توانند کمک مالی خود را یکی از دو حساب بانکی زیرین بپردازند:

- ۱- حساب بانکی به نام تقی کی منشی و به شماره ۴۴۴۴، شعبه ۶۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).
- ۲- حساب بانکی شماره ۱۱۸۸، شعبه ۴۱۱۰ بانک صادرات.

## ضد انقلاب راد ر هر لباسی افشا کنیم

ضد انقلاب بر حذر داشته است. سکوت ما فقط از اینجاست میگوید. ما انتظار داریم که مقامات مسئول جلوی اینگونه اقدامات ضد انقلاب را علیه نیروها و سازمانهای انقلابی و از جمله حزب توده ایران بگیرند و به پیروی از گفته امام در مورد ضرورت حفظ وحدت، مانع از اینگونه دسیسه های تفرقه افکنانه ضد انقلاب شوند.

رؤیای دلپذیر امپریالیسم، رژیم پیشین و عناصر وابسته بدان است که همه نیروها را بجان هم اندازند و از این صحنه سراسر زود خورد، خود بهره برداری کنند. ما که خود را مدافعان صمیمی انقلاب

و پاسدار آن میدانیم، یا در این دام موزیانه نخواهیم گذارد. اما مقامات مسئول که وظیفه حفظ امنیت و نظم را بر عهده دارند، حق ندارند، تماشاگر بیطرف این توطئه باشند.

ما در همانحال از مسلمانان راستین و انقلابی میطلبیم که نگذارند عناصر ضد انقلابی از نام اسلام سوء استفاده کنند و بین انقلابیون مذهبی و غیر مذهبی مرز مصنوعی بکشند و آنها را بجان هم اندازند. دفاع از انقلاب ایران و دستاوردهای آن، سرکوب ضد انقلاب و عقیم گذاردن توطئه های امپریالیسم، بزرگدگی امپریالیسم آمریکا، فقط با اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی ممکن است.

باصطلاح انقلابی «سازمان انقلابی»، با توده ایها از آنچه مخالفت است که خود مخالف انقلاب ایران است و چون توده ایها را دشمن آشتی ناپذیر نظام ستمگر پیشین و حامیان امپریالیست آن و پشتیبان صمیمی جمهوری اسلامی ایران میدانند، میخواهند اینبار تحت لوای اسلام حزب ما را از صحنه براند، تردیدی نیست که ما، با کمک مردم میهن دوست و آزادخواه، با حمایت مردم انقلابی و زحمتکش، بهسولت قادر به مقابله با این گروهک های رسوا هستیم، اما از يك سو مشی انقلابی، ما اجازه نمیدهد، در شرایطی که دشمن در کمین انقلاب ماست، و ضمن تشبث با انواع توطئه ها، مشغول تفرقه افکنی میان گروهها و سازمانها، خنثی کردن و ایدئولوژیهاست، در این دام یا گذاریم و بر این آتش همه افکنیم، و از سوی دیگر ما به توصیه امام عمل میکنیم که همگان را از نشان دادن عکس العمل به توهین ها، اتهام زنیها و دشنامگوییهای

گروههای کوچک سازمان یافتہ ای از ساواکی ها، مائوئیست ها (بطور عمدۀ افراد «سازمان انقلابی») و معدودی گمراه تحریک شده، از چندین پیش حملات منظمی را به میتینگ ها، دموستراسیون ها، مراکز حزب، کتاب فروشی ها و روزنامه فروشی های ما آغاز کرده اند. این گروههای شناخته شده، که در نهایت تردستی خود را زیر پرچم اسلام پنهان کرده اند، شعارهای دشنام گونه علیه حزب پخش میکنند، مبارزان توده ای را اینجا و آنجا مورد ضرب و شتم قرار میدهند، روزنامه ارگان حزب ما را پاره میکنند، کتاب سوزی برآه میاندازند و مراکز حزب ما را به آتش میکشند. این «ضد انقلاب مستور»، در واقع ضد اسلام و ضد امام خمینی است و با تمام پوست و گوشت خود خصم انقلاب ایران است.

این عنصر ساواکی، این مائوئیست و رشکست، این عضو

**از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد:**  
۱ - ترجمه جدید اثر نین در باره فریدریش انگلس از محمد پور هرمان  
۲ - ما تریالیسم تاریخی (کتاب دوم) تألیف امیر نیک آئین.  
**بزودی منتشر میشود:**  
ما تریالیسم دیالکتیک (کتاب اول) تألیف امیر نیک آئین.

## قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود